

انعکاس رویدادهای سیاسی و اجتماعی قرن نوزدهم در ادبیات جنوب آذربایجان جنوبی^۱

استادیار دکتر علی قافقازالی^۲

Atatürk Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, sayı: 25, Erzurum, 2006

خلاصه

تاریخ دو قرن اخیر آذربایجان جنوبی را می توان خلاصه ای از کل تاریخ آن دانست. زیرا وقایعی که در این دوره رخ داده، تجلی مسائل انباشته شده در این منطقه در طول قرن ها است. البته وقایع سیاسی و اجتماعی رخ داده در این دوره با تأثیر عمیق بر تاریخ و فرهنگ ترکان آذربایجان جنوبی، به ویژه ادبیات، آثار بزرگی برجای گذاشته است. همه این وقایع سیاسی و اجتماعی در ادبیات آذربایجان جنوبی منعکس است.

۱. مقدمه

رویدادهای سیاسی و اجتماعی ناشی از خارج و یا با منشأ داخلی در جغرافیای ایران و قفقاز در قرون ۱۹ و ۲۰، با مضامین نوشته ها و عناصر تاریخی مربوط به

^۱ این مقاله با اضافاتی، بخشی از گزارشی است که در پنجمین کنگره بین المللی ترک شناسی (۸ تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۹، استانبول)، ارائه شده است.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آتاتورک، دانشکده آموزشی زبان و ادبیات ترکی کاظم کارابکیر.

این دوره منطبق هستند. بنابراین، سعی خواهیم کرد وقایع سیاسی و اجتماعی معینی را که در دو قرن اخیر رخ داده و این جغرافیا و آثار ادبی موجود در آذربایجان جنوبی را در این دوره تحت تأثیر قرار داده، نشان دهیم.

آذربایجان جنوبی^۳ که بزرگترین قسمت از دو قسمت کل آذربایجان است، در محدوده رود ارس در شمال، دریای خزر در شرق، تهران، قم در جنوب شرقی؛ اراک، ملایر، نهاوند، همدان، در غرب بیجار! (مترجم)، تیکان تپه (تکاب) (مترجم)، سویوخ بولاغ (مهاباد) و مرزهای ترکیه و عراق در غرب شامل شهرهای تبریز، اردبیل، ارومیه، فوشاچای (میاندوآب)، مراغه، سلماس، خوی، مرند، میانه، انزل، ماکو، ابهر و...، همراه با ولایات هروآباد^۴، زنجان، قزوین و همدان یکی از قدیمی ترین مسکنهای ترکها است.^۵

آذربایجان جنوبی، یکی از مهمترین مراکز فرهنگی، هنری و ادبی جهان ترک، سکونتگاه بسیاری از قبایل ترک است.^۶ اگرچه این اقوام ترک که هزاران سال

^۳ Geniş bilgi için bk.: A. Zeki Velidi TOGAN, "Azerbaycan" mad., İslâm Ansiklopedisi, II, MEB Yay., İstanbul, 1979.

^۴ هروآباد نام قدیمی و تاریخی شهر خلخال در استان اردبیل ایران است. این شهر که مرکز شهرستان خلخال است، در جنوب استان اردبیل واقع شده، دارای آب و هوای کوهستانی است و با استان گیلان و زنجان همسایگی دارد. /مترجم

^۵ Cemil HESENİ, "Güney Azerbaycan Millî Harekâtı", Türkler, Yeni Türkiye Yay., Ankara 2002, XX/646.

^۶ از قبایل مهم ترک منطقه می توان به آجیرلی، افشار، آغاجری، آق قویونلو، امله، بهارلی، بیات، بختیاری، بگدیلی، بوچاخچی، بوزچالی، جالالی، جوانشیر، دکلر، دومبوللی، آموارلو، گلبنگی، گیسونلو، خلجلو، خان چوبانلو، هاراقانلو، خراسانی، اینانلو، قاجار، قاشقای،

با هم آمیخته شده اند، امروزه گاهی با نام اصلی خود یاد می شوند، اما عموماً با نام های عمومی مانند «ترک آذری»، «آذری»، «ترک آذربایجان» از آنها یاد می شود. در واقع به تمام ترک های این منطقه «ترک آذربایجان» یا «ترک آذربایجان جنوبی» نیز گفته می شود.^۷

قره‌اگوزلو، قاراپاق، قاراداغلی، قارایی، قاراجورلو، قاراقویونلو، قازاخ، کنگرلی، گلوه‌ن، کردبچه، کؤسلر، موغانلو، مقدم، موسوللو، اوزبک، پامسه، سعدلو، ساریجالی، شاهسون، سونفور، تیمورتش، تورکاشوند، تورکمن، استاجلی، باجانلی، زگل، زرگر، ذولقدر اشاره کرد. نگاه کنید:

Faruk SÜMER, Oğuzlar (Türkmenler), Türk Dünyası Araş. Vakfı Yay., İstanbul, 1999, s. 439-450; TOGAN, "Azerbaycan", İslâm Ansiklopedisi, M.E.B. Yay., İstanbul 1979, II/92-93; Ramazan ÖZEY, Dünya Denklemine Ortadoğu, Öz Eğitim Yay., İstanbul 1997, s. 268; M. Metin ÖREN, İran Türkleri Hürriyet Hareketleri, Haz. Selçuk Akın, Mars Matbaası, Ankara 1980, s. 4 vd., Bainbridge Margaret, Dünyada Türkler, trc.: M. Harmancı, Say Yay., İstanbul 1990, s. 147 vd.; Yaşar KALAFAT, Jeokültürel Boyut İran Türklüğü, Yeditepe Yay., İstanbul, 2005, 13.

^۷ ترکها ۴۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به این منطقه آمدند («علم تاریخی امروز به یقین نشان می دهد که ده طایفه پارسیان هندواروپایی زبان برای اولین بار ۹۰۰ سال قبل از میلاد از نواحی شرقی به فلات ایران آمدند و تحت حاکمیت شاهزادگان ایلام بودند که با اجازه دولت ایلام، در استانهای فارس و کرمان امروزی ساکن شدند. امروزه جمعیتی نزدیک به ۷۰ میلیون نفر متشکل از پنج قوم اصلی در جغرافیای ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربعی ایران زندگی می کنند. در بین این گروه ها، ترک ها از نظر تعداد در رتبه اول قرار دارند و جمعیت ترک ها به تنهایی نزدیک به کل جمعیت سایر اقوام است. رجوع کنید به جواد هیئت «وضعیت فرهنگ ترکی در ایران»، وارلیق، شماره: ۱۳۳-۲، ۱۳۸۳/۴، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۹ به بعد. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸، پراکندگی جمعیت اقوام مذکور در ایران بر اساس زبان مادری به شرح زیر است: تعداد ترکان آذری در حدود ۲۳.۵ میلیون نفر، فارس ها ۲۲.۰، لر ها ۴.۲۸، کردها ۳.۲۵، ترکمن

در نگاه به ادبیات آذربایجان جنوبی که بخش مهمی از ادبیات ترکی را تشکیل می دهد و به تاریخ آذربایجان جنوبی که جایگاه فوق العاده مهمی در تاریخ ترکان دارد، می بینیم که بزرگترین گسست ها و تحولات در قرن ۱۹ و ۲۰ رخ داده است. آذربایجان جنوبی که در این دوره به ساختار تقسیم بندی کنونی خود تبدیل شد، تحت تأثیر شدید سیاست بین المللی، تحولات سیاسی و اجتماعی به ویژه پس از این دوره، تا به امروز رسیده است.

در پژوهش، ضمن بررسی تأثیر رویدادهای سیاسی و اجتماعی قرن ۱۹ و ۲۰ بر ادبیات آذربایجان جنوبی، مهمترین آنها را برجسته کرده و آنها را با توجه به تأثیر آنها بر جامعه محدود کردیم. با این تصور که این روش بررسی مقاله از پیچیدگی موضوع میکاهد، رویدادهایی را که در هر دو قرن ۱۹ و ۲۰ رخ داده است در زیر سه عنوان و چگونگی انعکاس آنها را در آثار ادبی بررسی کردیم.

ها ۲۰۰، قشقای ها ۲۰۰ و عرب ها ۱۰۱ میلیون نفر و ترکان خراسان ۲۰۰ میلیون نفر است. نگاه کنید:

World Languages and the Languages of Iran, 1998; Raymond FURON, İran, trc.: Galib KEMALÎ, Hilmi Kitabevî, İstanbul 1943, s. 11; Nadir DEVLET, Çağdaş Türk Dünyası, Marmara Ün. Edebiyat Fak. Yay., İstanbul, 1989, s. 277 vd.

۲. رویدادهای سیاسی و اجتماعی مؤثر بر منطقه در قرن نوزدهم

۲.۱. عهدنامه ترکمنچای ۱۸۲۸ و تقسیم آذربایجان به دو قسمت

پس از آنکه نادرشاه افشار که در سیاست و امور نظامی نابغه بزرگی بود و با امپراتوری عثمانی همکاری می کرد و علمای عثمانی و صفوی را گرد هم آورد تا مسلمانان را در چارچوب تسنن متحد کند و آنها را تحت رهبری عمومی پادشاه عثمانی قرار دهد، در سال ۱۷۴۷ از طرف ترکان قاجار و افشار به قتل رسید، آذربایجان به ۲۵ خانات تقسیم شد.

استاد محمد حسین شهریار در شعر «سفر خیالی به ترکیه»^۸ به این موضوع پرداخته و تأکید کرده است که خود نیز همین فکر را داشته است:

«گل سیخاخ بیر کره قارداشلیق الین،

لعن ائده ک نا خلف اسلافیمیزا

بونو نادر ده او واخت دویموشودو

قوی محبت قالا اخلافیمیزا

...

^۸ محمد حسین شهریار، دیوان ترکی شهریار، انتشارات زرین، تهران،

۱۳۷۷/۱۹۹۹، ص. ۳۱۷.

اوبالار شاعری‌یم، دردیمیزی

دویورام، چوخ دا درین دویغودو بو

باش توتا، توتمایا، اؤز دویغوملا

اویارام، چوخ دا شیرین اویقودو بو

گؤروم آی نازلی هیلالیم سانجاق

پارلا سین گنت گنده بو سونمز اوجاق

دنمیرم بیز قول ائده کک دونیانی!

دوینا آرتیق ییزی "انسان" ساناجاق

این خانات پس از نیم قرن جنگ با یکدیگر، از سال ۱۸۰۵ میلادی، یکی پس از دیگری مجبور شدند تحت حکومت روسیه قرار گیرند. از سال ۱۸۲۷، ارتش روسیه تبریز، مراغه، ارومیه و اردبیل و بنابر این آذربایجان جنوبی را اشغال کرد. عباس میرزا در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ عهدنامه ترکمن‌چای دیکته شده توسط روسها را امضا نمود و با این قرارداد رود ارس به عنوان مرز پذیرفته شد و آذربایجان به دو قسمت تقسیم شد. شمال ارس به روس‌ها واگذار شد و جنوب به ایران که سلسله ترک قاجار در آنجا قدرت داشت. این جدایی به یکی از مضامین اصلی ادبیات آذربایجان شمالی و جنوبی تبدیل شد. هنوز ارس به

معنای جدایی است. ارس لالایی در گهواره است ، نغمه ای در ساز و حماسه
ای در دل ها.

«آرازی آیردیلا،

سو ایله دووردولا،

من سندن آیریلمازدیم،

ظلم ایله آیردیلا.»

آراز، آراز، خان آراز

دریا یا آخان آراز،

سئو گیلیم او تایدا دیر،

گل ایلمه قان آراز!»

آشیق و شاعر یدالله شکیمی این جدایی را اینگونه توصیف می کند: «این سمت
خود هستم، چشمم به آن سمت است!» او آن را در شعر خود چنین بیان می
کند:

«بو تایدا بالا وار او تایدا آنا،

نئجه ایتگین دوشدوک هره بیر یانا؟

قارشیمدا بویانیر قارداشیم قانا،

نتجه هؤنكورمويوم، من نتجه دؤزوم؟

بو تايدا اؤزومم، او تايدا گؤزوم!

من حسرت باخيرام آراز لام آخير،

ديлле نميرقليمي يانديرير ياخير،

دئيرلر وطندن وطنه باخير

كيم دؤزه ر بو درده؟ دئ، من ده دؤزوم،

بو تايدا اؤزومم، او تايدا گؤزوم!⁹

۲.۲. نزاع های بر محور دین و درگیری های مذهبی

نمی توان سرگذشت آذربایجان جنوبی را از ایران جدا کرد. تاریخ و طالع آن اغلب با ایران مرتبط بوده است. ایران همان طور که قبل از اسلام محل شکل گیری و توسعه دین زرتشتی و مزدکی^{۱۰} یعنی «دولت دینی» بود، پس از اسلام به ویژه با صفویان نیز «حکومت مذهبی» داشت^{۱۱}. جغرافیای ایران تقریباً در هر

⁹ Ali KAFKASYALI, İran Türk Edebiyatı Antolojisi, I-VI, Atatürk Üniversitesi Yayını, Erzurum 2002, VI/387.

¹⁰ Tahsin YAZICI, "Safevîler" mad., İslâm Ansiklopedisi, X/54. Ayrıca bk.: Michalengelo GUIDI, "Mezdek" mad., İslâm Ansiklopedisi, VIII/201-205; NİZAMÜLMÜLK,

Siyasetnâme, trc.: M. Altay KÖYMEN, Kültür Bakanlığı Yay., Ankara, 1983, s. 213.

¹¹ Taha AKYOL, Osmanlı'da ve İran'da Mezhep ve Devlet, Milliyet Yay., İstanbul, 1999, s.

عصری جایی بوده است که تضادها، انحرافات و درگیری های مذهبی، سیاسی و اجتماعی در آن رخ داده است. این کشور نتوانسته بود خود را از این که کشوری تحت سلطه قبایل باشد نجات دهد. به همین دلیل بسیاری از کشورها به ویژه فرانسه، انگلستان و روسیه نتوانسته بودند از این قبایل برای انجام هر اقدامی که می خواستند در کشور استفاده کنند. به ویژه بین سالهای ۱۸۲۸ و ۱۹۰۶ این کشور نتوانست از تسلط روسیه و انگلیس بگریزد.^{۱۲} پادشاهان کشور بدون اجازه آنها قادر به رفتن از یک نقطه کشور به نقطه دیگر نبودند. سخنی از شاه ناصرالدین قاجار ترک تبار این را به خوبی نشان می دهد: «می خواهم بروم شمال کشور، سفیر انگلیس مخالفت می کند، می خواهم به جنوب بروم، سفیر روسیه مخالف است... لعنت بر چنین کشوری که شاهش نمی تواند به شمال یا جنوب کشورش برود.»^{۱۳}

می توان گفت در جهان اسلام، مهم ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی که تمام قرن نوزدهم را در بر گرفت، وقایع «بایبگری»^{۱۴}، «بهائیت» و مبارزات آزادیخواهانه جمال الدین افغانی بود. مطرح کردن ظهور «مهدی» در آغاز این قرن از طرف برخی شخصیت های مذهبی مانند شیخ احمد احسائی و سید

¹² BLAGA, s. 29

^{۱۳} همان، ص. ۲۱.

^{۱۴} برای حادثه بایبگری، نگاه کنید به: E. Crawshay WILIAMS, Across Persia,

Edvard Arnold Pub., London, 1907, p. 269-279

کاظم رشتی به و آغاز حوادث اعلام کردن سید علی محمد شیرازی^{۱۵} به عنوان «باب» در سال ۱۸۴۴ که همراه با اولین سخنرانی باب آغاز شد، مهر خود را بر این قرن گذاشت.^{۱۶}

^{۱۵} ر.ک: P. M. SYKES, A History of Persia, Macmillan and Co., London, 1915, p. 443-445.

^{۱۶} شورش زنجان در سال ۱۸۱۲، قیام شیعیان علیه مامورین عثمانی در کربلا در سال ۱۸۴۳ و کشته شدن هزاران نفر در این شورش. شورش قزوین در سال ۱۸۴۷ و کشته شدن بسیاری از ملاها، شیوخ و بابی ها با لنینج کردن. حوادث خراسان و اعدام بسیاری از بابیان؛ شورش سید یحیی که بابی بود در یزد و نیریز در سال ۱۸۵۰، شورش دوباره بابیان در سال ۱۸۵۰، و اعدام باب، قتل صدر اعظم امیرنظام در حمامی در کاشان در سال ۱۸۵۲، اخراج سید میرزا یحیی که ادعای جانشینی باب را داشت از ایران، محاکمه یحیی با زندانی کردن او در ماگوسا (ماگوسا یا ماغوسا) نام ترکی شهر تاریخی فاماگوستا در در ساحل شرقی قبرس است. (مترجم) توسط دولت عثمانی (C. L. HUART, "Bâb" mad., İslâm Ansiklopedisi, II/163 vd.; ÖREN, s. 17 vd. "Bâbîler" mad., İslâm Ansiklopedisi, II/179 vd.) که با این کار دوران بابی ها به پایان رسید و این بار بهایی ها جایگزین بابیان شدند. وزیر اعظم میرزا آفان در تهران با بهائیان قراردادی بسته و از درگیری ها جلوگیری کرد (HUART, "Bahauallah" art. 223. بهاء الله لقب میرزا حسینعلی نوری است. او برادر پدری سید یحیی بود. اگرچه هرگز باب را ندیده بود، اما به عنوان جانشین وی پذیرفته شد. پس از سوء قصد به شاه، علیرغم حمایت روسیه از کشور اخراج شد و در بغداد اقامت گزید. (SYKES, p. 447-448) امپراتوری عثمانی بهاء الله را مجبور به اقامت در ادرنه و بعداً در عکا کرد. بهاء الله که در اندیشه هایش آثار روشن و بزرگی از مسیحیت وجود دارد، در ۲۹ مه ۱۸۹۲ در عکا درگذشت. بعدها مرکز بهائیت حيفا شد. مراکز مذهبی آنها در حال حاضر در خاک اسرائیل است. (برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به: ÖREN, ص ۱۷-۲۶) چنین رویدادهایی تنها گوشه ای از رویدادهای نیمه اول قرن است. این رویدادها با پوسته مذهبی سال ها ادامه داشت. از یک سو دولت ایران و از سوی دیگر قدرت های امپریالیستی این رویدادهای مذهبی را ایجاد

ترک‌های آذربایجان جنوبی و دیگر عناصر قومی ایران از این اتفاقات بسیار ناراحت بودند. تعارض این ادیان، مذاهب و طریقت‌ها؛ درگیری‌ها، جاه‌طلبی‌ها و فتواهایی که بابی‌ها، شیوخ و ملاها علیه رهبران مخالف می‌دادند، موضوع آثار شاعران بسیاری از جمله محمد امین دلسوز (متوفی ۱۸۳۴؟)، سیدرضا صابر (۱۸۴۹-۱۹۰۴)، حاجی مهدی شکوهی (۱۸۲۸-۱۸۹۶) و سید اشرف الدین گیلانی (۱۸۷۲-۱۹۳۴) قرار گرفت. دلسوز خشم ناشی از این درگیری‌های بی‌معنا، جاه‌طلبی‌های بی‌پایان و جنگ‌های مذهبی را که باعث مرگ هزاران انسان بی‌گناه شد، این‌گونه بیان کرده است:

بیلمیرم یارب ینه قلبیمده بو غوغا ندیر

آخریری عؤمرومده بو باشیمداکی سئودا ندیر؟

گه چکر دیره، گهی بتخانه، گاهی مسجدیه

بیلمه‌رم مسجد ندیر، هم دیر و کلیسا ندیر؟

هرنه گزردیم مسجد و میخانه و بتخانه‌ده

بیلمه‌دیم کیمدیر مسلمان، کافر و ترسا ندیر؟

عاقیلیم، یا جاهیلیم، یا مؤمنم، یا کافریم؟

و دامن می زدند. دین دیگر به عنوان یک باور تلقی نمی شد، بلکه بیشتر به عنوان یک هویت

سیاسی تلقی می شد. AKYOL، ص. ۲۳۰

بیلمه‌دیم جاهل ندیر دونیاده، یا دانا ندیر؟

زاهد و مُفتی و شیخ و شحنه یا زهد و فسق

نور و ظلمت، خیر و شر یا زشت، یا زیبا ندیر؟^{۱۷}

سید اشرف الدین گیلانی (متولد ۱۸۷۲) نیز در شعر «کیمدیر بونا قولاق آسان» می‌نویسد که همه از دین بیگانه اند:

قانون دئیّه نعره چکک، فریاد ائده ک هاچانا جان؟

کیمدیر بونا قولاق آسان؟

فقیر لرین احوالینی وارمی سوران، اونا یانان؟

کیمدیر بونا قولاق آسان؟

بیحال دوشن سرخوش لارین مکانیدیر بوتون بازار،

هامی دیندن اولوب بئزار

قالماییدیر آبیر حیا، قالماییدیر اینصاف، وجدان

کیمدیر بونا قولاق آسان؟

نه علم وار، نه ترقی، گؤرونمه‌یر معروف آدم

^{۱۷} منافى و همکاران، ۱/۱۹۴.

ده ییشیدیر اخلاق تمام.

...

عالیم لر ده روحدان دوشوب، اولوبدولار خانه نشین

ماتم گاها دؤنوبدو دین^{۱۸}

۲.۳. انحطاط اجتماعی

شاعر طنزپرداز حکیم میرزا علی خان لعلی (۱۸۴۵-۱۹۰۷)^{۱۹} متولد و بزرگ شده تبریز، در تهران و استانبول پزشکی خوانده بود. و لقب «شمس الحکما» را داشت، در شعر «شرق روس»، از خدمات روزنامه «شرق روس»^{۲۰} که به زبان ترکی منتشر می شد، تحسین می کند و در عین حال وضعیت مردم آذربایجان جنوبی و قفقاز را چنین توصیف می کند:

حیرتده قویدو عالم اسلامی "شرق روس"

یوزدن نقابین آچدی بو تورکی زبان عروس

¹⁸ KAFKASYALI, IV/97

¹⁹ Mehmed Emin RESULZÂDE, İran Türkleri 5, Türk Yurdu, yıl: 1328 c. II, Sayı: 10 (22), s. 673.

²⁰ «شرق روس»: روزنامه سیاسی، ادبی، علمی و اقتصادی هفته ای سه بار به زبان ترکی آذربایجانی در تفلیس بین سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۵ منتشر می شد. در سال ۱۹۰۵، چند شماره از اخبار شبانگهی به نام «شرق روسون تلگرام لاری» در باکو منتشر شد. اولین ویراستار آن م. شاه تختلی بود. سردبیر ۴۵ شماره آخر ج. ممدقلی زاده بود.

...

بیدار ائله بیر یاتان لاری، ائولرده چون خروس

تا ائله سین بو ملّت اسلامی متفق

هر یانا یازدی نامه ی تبلیغ علی الرؤوس

...

تحصیل علم السنه لازمدی بو زمان

ایسته زبانی خارج اولایا، یا لسان روس

ائت کسب علم و صنعت و فن زراعتی

بسدر حدیث رستم و سهراب و اشگبوس

دوشدو تمام دولت و ملّت مذکته

نه شهر و بحر قالدی، نه ماهی، نه بیر فلوس

سیمرخ تک عروج ائله ییب کوه قافدان

بو سؤزلری خطاب ائله ر اسلاما شرق روس^{۲۱}

^{۲۱} جواد هیئت، نگاهی بر تاریخ ادبیات آذربایجان، تهران-ایران-۱۳۷۶/۱۹۹۸، ۱/۱۸۱؛

MENAFİ و همکاران، ۱۱/۳۶.

علی خان لعلی که از نزدیکان ناصرالدین شاه بود و حتی در سفر اروپایی او را همراهی می کرد،^{۲۲} در شعر "قاجار شاه لاریندا بیرینه" / «به یکی از شاهان قاجار»، اقدامات خودسرانه شاه و وضعیت بدی را که مردم و کشور در آن گرفتار شدند، اینگونه توصیف می کند:

میللت دوشوب نه آتشه گۆر، سنده دوشموسن،

گه دویبه گاه مسخره، گاه دلفک عشقینه

وئردین تمام ساده لره منصب و لقب،

ساتدین هامی رعیتی بیر گۆیچک عشقینه

...

گلمیر کؤمورچو شهره، قاجیر یاغچی قورخودان

ووردون نه صدمه لر یزه زوزه ک^{۲۳} عشقینه

گتدین نه قدر باشیمیزا چیرکین ایش لری

دؤزدوک کی بلکه ختم اولا بیر گۆیچک عشقینه^{۲۴}

^{۲۲} هیئت، ۱/۱۷۹.

^{۲۳} زن اغواگر و وسوسه انگیز

^{۲۴} منافی و همکاران، ۱/۳۸-۳۹؛ ۱/۱۳۴-۱۳۸. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: KAFKASYALI,

III/214 ff. 49 MENAFİ et al., I/68

ذکری اردبیلی (۱۷۹۰-؟) از شاعران چیره دست آذربایجان جنوبی نیز در یکی از اشعار خود همین مسائل را بیان می کند:

ز بس وجود ضعیفیم بلا ایلن دولودور

مثالِ نئی قورو جسمیم نوا ایلن دولودور

...

من ایسترم کی، آلام آفتابیدن پرتو

مگر بو صفحه گردان سحابیلن دولودور؟

...

کیم گولر، کیم آغلار، زمانه ده ذاکر

نوا ایلن دولودور نئی، نوا ایلن دولودور

یکی از مهمترین نمایندگان قرن نوزدهم شعر آذربایجان جنوبی، حاجی مهدی

شکوهی، در شعر بلند خود به نام «میمونیه» از قضاتی که از ارزش های دینی

سوء استفاده می کنند، مردم را فریب می دهند و هر زمان که بخواهند احکام

دینی را تحمیل می کنند، انتقاد می کند. او مدعی است که آنها از نظر ظاهر و

رفتار و اخلاق، ریاکار هستند:

«مقامی کعبه ی ارباب حاجت،

زیارتگاه اصحاب ارادت.

اولور گۆز خیره ایض جامه سیندن،

چیخار یوز کۆینک آغ عمامه سیندن

بدن آغ جامه و دستار ایچینده،

نمایان، تازه یاغمیش قار ایچینده.

توتوب خو زهد و تقوا ایله ازبس،

دئیهر لر آدینا «شیخ مقدس».

گنجه گوندوز ائدهر ازبس عبادت،

گۆزونده هیچ یوخدور خواب راحت.

دئیل شام و سحر بیر لحظه بیکار،

اوخور ادعیه و اوراد و اذکار.

وئریر تجدید دایم دستمازه،

اولور هر نصف شب قائم نمازه.

همیشه فیکری اظهار فضیلت،

بیان علم او آداب شریعت.»

رویدادهای سیاسی و اجتماعی قرن نوزدهم جایگاه خود را در شعر یافتند و همچنین در آثار منثور نویسندگان ترک این دوره، که از جمله آثار اولیه بوده و عمدتاً به زبان فارسی نوشته شده‌اند، منعکس شدند.

میرزا عبدالرحیم ابوطالب زاده (۱۸۳۴-۱۹۱۱)، رمان‌هایی مانند کتاب یوکلو ائششک، کتاب احمد، مسائل الحیات، مسالک المحسنین، ایضاحات در خصوص آزادی؛

زین العابدین مراغه‌ای (۱۸۳۷-۱۹۱۰)، رمان (در سه جلد) سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ،

میرزا حسن رشديه (۱۸۵۱-۱۹۴۴)، کتابهای درسی ترکی-فارسی مانند وطن دلی؛

کتاب آموزشی میرزا آقا تبریزی (متوفی ۱۹۱۵) با عنوان «رساله‌ی اخلاقیه» و چهار کمدی او، (۱) ماجراهای سرگذشت اشرف‌خان حاکم عربستان^{۲۵}، (۲) حکومت زمان‌خان در بروجرد^{۲۶}، (۳) عشق‌بازی‌های آقا هاشم خلخالی^{۲۷}، و (۴)

^{۲۵} حکایت اشرف‌خان حاکم عربستان در ایام توقف او در تهران

^{۲۶} طریقه حکومت زمان‌خان بروجردی و سرگذشت آن ایام

^{۲۷} حکایت عاشق‌شدن آقا هاشم خلخالی به سارانام، دختر حاجی پیرقلی و سرگذشت آن ایام

ماجراهای شاه‌قلی میرزا در کرمانشاه^{۲۸}، تماماً به وقایع سیاسی و اجتماعی آن دوران اختصاص دارد. در این آثار که به زبان‌های ترکی و فارسی نوشته شده‌اند، ویژگی‌های جامعه‌ی فنودالی ایران، بی‌عدالتی‌ها در اداره‌ی امور کشور، رشوه‌خواری، ظلم و استبداد، زندگی طاقت‌فرسای مردم و بازی‌های قدرت‌های استعماری در منطقه، به طور کامل مورد بحث قرار گرفته است. تا جایی که مقاله‌ی ما اجازه دهد، نمونه‌هایی ارائه خواهد شد.

از رمان «مسالك المحسنين» اثر میرزا عبدالرحیم ابوطالب‌زاده:

(دیدار با موسیو جورج)

«سواری خبر ورود در بعد از ظهر را آورد. سربازان به صف ایستادند. موسیو

جورج همراه با مهرعلی خان، سوار بر اسب از راه رسیدند.

سردار از آنها استقبال کرد. حاضرین را به آنها معرفی کرد. موسیو جورج یک

منشی به نام موسیو بئکون داشت. او را معرفی کرد. وقتی نام من را شنید، دو بار

کلمات «بونژور موسیو محسن خان» را تکرار کرد و بسیار خوشحال شد.

همراهان را دید و گفت:

^{۲۸} حکایت کربلا رفتن شاه‌قلی میرزا و سرگذشت ایام توقف چند روزه در کرمانشاهان نزد شاه مراد حاکم آن‌جا

- خدا را شکر، تعداد افرادی که در ایران به زبان فرانسه صحبت می کنند روز به روز در حال افزایش است. یکی از وظایف مهم ملت فرانسه این است که در پیشرفت مردم با استعداد ایران مشارکت کند.

...

گفتم:

- آیا این امکان وجود ندارد که یک رعد و برق دیپلماتیک در سیاست جهانی رخ دهد، موانعی در برابر اتحاد روسیه و آلمان ایجاد کند، آسیا و اروپا را با هم ایجاد کند و نقشه های ناپلئون اول و اسکندر اول را محقق سازد؟
- «معلوم است که اداره جهان در دست سیاستمداران نیست، بلکه در دست نیروی دیگری، یک نیروی محرکه، است. اما فقط یک صاعقه می تواند ضایعاتی را که مانع وحدت آنهاست بسوزاند. نه، اگر این زباله ها بسوزند، انگلستان و فرانسه قدرت خواهند داشت موانع را از بین ببرند، کوه ها و دره ها را به جای زباله آماده کنند، درختان و مزارع را پاکسازی کنند و راه را در مسیر وحدت روسیه و آلمان هموار می کنیم.»^{۲۹}

از رمان معروف سیاحت نامه ابراهیم بیگ اثر زین العابدین مراغه ای:

²⁹ KAFKASYALI, III/431 vd.

«وزیر گفت:

-بگو ببینیم!

گفتم:

- من آن را در خارج شنیده بودم، اما اکنون با چشمان خود می بینم که ایران در مقایسه با سایر کشورهای روی زمین ویران است. شما، جناب وزیر، به اقتضای آن مقام رفیع، باید از تمام امور کشور آگاه باشید... حال، بفرمائید ببینیم در کدام شهر از این کشور وسیع، بیمارستان وجود دارد؟.. در کدام بخش از کشور، راه های شوسه برای تأمین حرکت حمل و نقل ساخته اید؟...

آیا دلایل مهاجرت این همه ایرانی را که در روسیه، سرزمین های عثمانی و هند پراکنده اند، می دانید؟ برای مقابله با این فاجعه چه تدابیری انجام داده اید؟...

چگونه است که حتی نتوانستید بیست و پنج نفر از جامعه ایرانی را برای مدیریت امور گمرکی کشور آموزش دهید؟ تا افرادی را از کشورهای دیگر اروپایی با حقوق بالا استخدام نکنید و گمرک خود را به آنها نسپارید؟ چه پاسخی دارید؟...

وزیر گفت:

«چرندگویی ات تمام شد؟ یا هنوز هم هست؟ دیگر طاقت شنیدن یاوه گویی هایت را ندارم. ای احمق، کدام پدرسگی این مزخرفات را به تو آموخته است؟ مگر من پیامبر آخرالزمان هستم که باید به فکر امت باشم؟»

گزیده‌ای از کتاب درسی زبان ترکی برای کودکان که توسط میرزا حسن رشیده، یکی از مشهورترین مربیان زمان خود، نوشته شده است که ۶۰ سال از زندگی ۹۳ ساله خود را به آموزش ترک‌های آذربایجان جنوبی اختصاص داد:

"بیر آسلان ایله ایکی اؤکوز

«بیر آسلان بیر اوتلاقدا ایکی اؤکوزه راست گلدی و اونلاری توتوب یئمک اوچون هوجوم انله‌دی. اؤکوزلر باش باشا وئریب بوینوزلاری ایله آسلانا مقابله انله‌دیلر. آسلان بونلارین رفاقتینی گوروب مکر و حيله‌دن ساوای بیر چاره بیلمه‌دی.

اؤکوزلردن بیرینه یاناشیب دئدی:

- یولدشیندان آیریلیب اونو تک تنها قویسان اصلا سنینله ایشیم اولماز.

یئکه‌باش اؤکوز آسلانین وئردیغی وعده‌لره آلدانیب کمکیندن آیریلدی.

درحال آسلان فرصتی فؤوته وئرمه‌یب اول او اؤکوزو و سونرا اونون یولدشین

بیرتیب یئدی!»

صحنه‌ای از نمایش «اشرفخان حاکم عربستان» اثر میرزا آقا تبریزی:

«(مجلس اول، دیوانخانه وزیر اعظم، اشرف خان وارد می‌شود).

کریم خان (تنگ نفس پیش اشرف خان می آید و آهسته می گوید)

خان دایی دعا‌های شیخ فتح‌الله را به بازو بسته‌اید یا خیر؟

اشرف خان بلی بلی بسته‌ام و انگشتر شرف شمس مرحوم خان را هم به انگشت کرده‌ام.

کریم آقا پس سوره‌ی لایلاف را بخوانید بدمید صورت شخص اول.

اشرف خان (می‌رود در اتاق می‌خواهد داخل شود)

الله‌داد بیگ (فراش خلوت آقا، از آن گوشه در می‌آید و دست بر سینه‌ی اشرف خان گذاشته می‌گوید.) آقا تشریف نبرید حالا خلوت است.

اشرف خان چه می‌گویی سرکار آقا خودشان مرا خواسته‌اند. (کله خورده مثل مس سرخ شده لابد می‌رود اتاق محررها می‌نشیند.)

الله‌داد بیگ (به آواز بلند چنان می‌گوید که خان می‌شنود) فلان فلان شده‌ها می‌روند حکومتشان را می‌کنند و مردم را می‌چاپند و پول‌ها را جمع می‌کنند برمی‌دارند می‌آورند در این جا هم می‌خواهند تشخص به مردم بفروشند انگار نوکر پدرش هستیم ما.

شخص اول (صدا می‌کند) بچه‌ها.

الله‌دایگ (داخل اتاق شده سر فرود می آورد) بلی.
 شخص اول پسر اشرف خان را خواسته بودم نیامده است؟
 الله‌دایگ خیر هنوز نیامده است می فرمایید بفرستم بیاورند؟
 شخص اول زود زود کاردارم باید بروم.

۳. رویدادهای سیاسی و اجتماعی مؤثر بر منطقه در قرن بیستم

۳.۱. سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در قبال منطقه
 قرن بیستم با جنگ روسیه و ژاپن آغاز شد. جنگ روسیه و ژاپن^{۳۰} در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۴ که منجر به فاجعه‌ای برای روسیه شد و کشور را در تنگنای اقتصادی بزرگی فرو برد، منجر به بروز جنبش‌های کارگری و اولین انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۰۶ شد. این امر بسیاری از کشورها، از جمله جامعه ایران و در نتیجه، مردم ترک آذربایجان جنوبی را تحت تأثیر قرار داد.

پس از آنکه ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۸۹۶ توسط یکی از آزادیخواهان وابسته به جمال الدین افغانی هنگام زیارت مقبره امامزاده عبدالعظیم ترور شد^{۳۱}،

^{۳۰} برای اطلاع از جنگ ۱۹۰۵-۱۹۰۴ روسیه و ژاپن، نگاه کنید به: Fahir

ARMAOĞLU، تاریخ سیاسی قرن ۲۰ ۱۹۱۴-۱۹۸۰، انتشارات Türkiye İş Bankası، چاپ سوم، آنکارا، ۱۹۸۶، ص ۹۳-۹.

^{۳۱} ÖREN, s. 40.

مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت نشست و «قدرت» به دست روس‌ها و بریتانیایی‌ها افتاد!^{۳۲} قدرت‌های استعماری، با چشم دوختن به ثروت نفتی و پتانسیل ژئواستراتژیک آذربایجان و ایران، شروع به تسلط بر حکومت این کشورها کردند. ایران و آذربایجان جنوبی دچار هرج و مرج می‌شوند. آزادی‌خواهان و مشروطه‌خواهان شورش می‌کنند. روس‌ها از شاه حمایت می‌کنند، در حالی که بریتانیایی‌ها از مشروطه‌خواهان حمایت می‌کنند. درگیری‌های سیاسی به درگیری‌های مذهبی، فرقه‌ای و طریقتی اضافه می‌شود. تجمع بزرگی در مقابل کنسولگری بریتانیا برگزار می‌شود. شعر "ای ملت اسلام اوایان وقت سحردی/ گور بیر نه خبردی" اثر شاعر تبریزی، حاجی رضا صراف، بر سر زبان‌ها می‌افتد. وقتی صراف این شعر را در تجمع می‌خواند، مردم واقعاً به پا می‌خیزند. شاعر با عبارت «ملت اسلام» به مردم مسلمانی اشاره می‌کند که تحت سلطه قدرت‌های استعماری هستند، مورد استثمار قرار می‌گیرند، خونشان ریخته می‌شود و عمداً توسعه نیافته نگه داشته می‌شوند. او به آنها می‌گوید: «بیدار شوید! شما به اندازه کافی خوابیده‌اید و در خواب نگه داشته شده‌اید. کسانی که بیدارند شما را له می‌کنند. در این دوران، خون کسانی که می‌خوابند هدر

^{۳۲} برنارد لوئیس، خاورمیانه، ترجمه م. هارمانچی، انتشارات صباح، استانبول ۱۹۹۶، ص ۲۶۳. مظفرالدین شاه پیش از آغاز سفر خود که پترزبورگ، پاریس و استانبول را در بر می‌گرفت، تصمیم گرفت که زبان فارسی زبان رسمی ایران باشد. او این تصمیم را با وجود اینکه اداره امور کشور در دست سلسله ترک قاجار بود و حتی با اینکه خودش ترک نژاد بود، گرفت. وقتی او به دیدار سلطان عبدالحمید خان در استانبول رفت، خلیفه سلطان از تصمیم او ابراز نارضایتی کرد. شاه تلگرافی از استانبول فرستاد و اظهار داشت که تصمیم خود را تغییر داده و زبان رسمی کشور ترکی است. برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به: Ören، ص ۴۲. ۶۰ بسدیر: کافی است.

می‌رود. همه بیدار شده‌اند و اشتباهات خود را فهمیده‌اند، اما شما هنوز در خواب هستید...» او حتی به شدت به آنها هشدار می‌دهد و می‌گوید: «شما بخواهید، بگذارید آنها بیدار شوند، زیرا آنها انسان هستند.»

«ای میللت ایسلام، او یان، وقت سحر دیر!

گۆر بیر نه خبر دیر!

بس دیر بو قدهر یاتما، چور ورسن، نه خبر دیر،

دور، وقت سحر دیر!

غافیل دوشوین دینینی دونیا یا ساتیسان،

یوز ایلدی یاتیسان.

بس دیر، گۆزون آچ، سنده کسالت نه قدهر دیر،

دور، وقت سحر دیر!

مین یئردهن آیلدیر سنی بیچاره احببا،

تئر پئمیسهن اصلا!

یاتماق بئله اولماز، بو اؤلومدن ده بتر دیر،

دور، وقت سحر دیر!

تا پدار سنی همسایه لرین، دورما، دئییر یات.

کئچمیش اولا، هئیهات!

بو دؤورده هر کیمسه یاتا قانی هدردیر،

دور، وقت سحر دیر!

گون اولدو گونورتا، هامی یاتمیشلار اویاندی،

اؤز عیبینی قاندی.

سن یات، قوی اولار دورسون، اولار چونکی بشر دیر،

دور، وقت سحر دیر!

...

قانمازلیغینین قدرینی ییل، یاخشی ثمر دیر،

دور، وقت سحر دیر!«^{۳۳}

مظفرالدین شاه که قادر به تحمل فشارهای داخلی و خارجی نبود، در ۷ سپتامبر

۱۹۰۶ سلطنت مشروطه را اعلام کرد و در ۸ ژانویه ۱۹۰۷ درگذشت. محمد

علی قاجار، والی منطقه تبریز، به تخت سلطنت نشست.

³³ MENÂFİ v.dğr., II/35.

در اوت ۱۹۰۷، مقامات دولتی روسیه و بریتانیا با هم ملاقات کردند و ایران را به دو حوزه نفوذ تقسیم کردند.^{۳۴} شمال ایران به روس‌ها و جنوب ایران به بریتانیایی‌ها داده شد.^{۳۵} با اطلاع از این موضوع، آزادی‌خواهان و اعضای انجمن به سمت مجلس راهپیمایی کردند و خواستار برکناری شاه شدند.

۳.۲. جنبش‌های ملی‌گرایانه

۳.۲.۱. جنبش استقلال ۱۹۰۸

در حالی که درگیری‌های خونین در تهران ادامه داشت، مشروطه‌خواهان در تبریز قیام کردند. آنها توسط ستارخان از قره‌داغ و باقرخان از تبریز رهبری می‌شدند. این دو سردار ترک در تبریز علیه شاه و نیروهای روسی به فرماندهی رحیم خان جنگیدند و نیروهای ۴۰۰۰ نفری روس و شاه را با ارتشی متشکل از ۱۵۰۰۰ نفر در موقعیت دشواری قرار دادند. پس از یک مبارزه بزرگ که چهار ماه به طول انجامید، آنها تبریز را از سربازان روس و شاه آزاد کردند.

ستارخان مبارزه خود را به جهانیان شناساند. او از جاهای زیادی کمک دریافت کرد. امپراتوری عثمانی تحت حکومت کمیته اتحاد و ترقی بود. یک نیروی شبه‌نظامی ۱۰۰۰ نفره، به فرماندهی ابراهیم جهانگیراوغلو و خلیل بیگ، برای

^{۳۴} برای اطلاعات بیشتر در مورد رقابت روسیه و انگلیس بر سر ایران و تقسیم ایران به دو منطقه، رجوع کنید به: جورج دبلیو استوکینگ، نفت خاورمیانه، مطالعه‌ای در مناقشات سیاسی و اقتصادی، انتشارات دانشگاه وندربیل، کینگزپورت، تنسی، ۱۹۷۰.

^{۳۵} J. H. KRAMERS, "Muzafferüddin", İslâm Ansiklopedisi, M.E.B. Yay., İstanbul 1979, VIII/779; ÖREN, s. 46.

کممک اعزام شد. نام انجمن تبریز به «انجمن ملی» تغییر یافت. انجمن ملی در عین حال نقش «مجلس شورای ملی» را بر عهده گرفت. ستارخان و باقرخان با یک نیروی سواره نظام ۳۰۰ نفره به سمت تهران حرکت کردند. آنها معتقد بودند که برای ایجاد سلطنت مشروطه، شاه طرفدار بریتانیا و طرفدار روسیه باید برکنار شود. تبریز بدون رهبر باقی ماند. روس‌ها با استفاده از فرصت، تبریز را اشغال کردند. اگرچه ستارخان موفق شد سلطنت مشروطه را دوباره اعلام کند، اما این با منافع روس‌ها و بریتانیایی‌ها سازگار نبود، بنابراین قزاق‌های روسی و سربازان شاه نیروهای ستارخان را محاصره کردند. ستارخان و باقرخان تسلیم نشدند و تا آخرین نیروهایشان جنگیدند. باقرخان به تبعید فرستاده شد و در تبعید خفه شد. ستارخان که زخمی و تحت نظر دائمی بود، در ۱۶ نوامبر ۱۹۱۴ درگذشت. بدین ترتیب، مبارزه ملی ترک‌های آذربایجان جنوبی توسط قدرت‌های امپریالیستی نابود شد.^{۳۶}

مبارزه ستارخان و یارانش در میان ترک‌های ایران، که سنت ادبیات شفاهی در آنها غالب بود، به ده‌ها حماسه و داستان تبدیل شد.

عاشق حسین جوان، حماسه‌ای را در قالب یک داستان عامیانه کلاسیک به نام «ستارخان دستانی» تصنیف کرده است. این حماسه هنوز در تمام جوامع ترک، به ویژه در آذربایجان جنوبی، روایت می‌شود. حماسه با شعری تقدیم به ستارخان به پایان می‌رسد.

³⁶ MENÂFİ v.dğr., III/506

«آذر اؤلکه سینین قهره مان اوغلو،

آزادلیق یولونون قوربانی اولدون،

آند ایچدین وطنه ایگید ستار خان،

وطنین ایلقاری، ایمانی اولدون.

وطن خائنی له ائيله دین جنگی،

آت سالدین میدانا، چکدین اوزنگی،

سارالدی قورخودان دوشمین رنگی،

اونلارین قتلینین فرمانی اولدون.»^{۳۷}

جنبش استقلال طلبانه ای که ستارخان آغاز کرد، تأثیر بسیار زیادی بر ترک‌های

آذربایجان جنوبی گذاشت و این تأثیر تا به امروز ادامه دارد. شعر حماسی

«ستارخان»^{۳۸} اثر شاعر بالاش آذراوغلو (متولد ۱۹۲۱) نشانه ای از این امر است.

«بیز هئچ واخت سیناقدان نامرد چیخمادیق،

ایگیدلرین قانی قانیمیزدادیر.

نه دوشمن، نه اؤلوم قورخوتماز بیزی،

³⁷ MENÂFİ v.dğr., III/522.

³⁸ KAFKASYALI, III/182.

ستار خان هر زمان یانیمیزدادیر.

او بیزیم تاریخه دوشه‌ندن بری،

قدرت آدیمیزدا، سانیمیزدادیر.

چوخ‌لاری ایسته‌دی آیرسین اونو،

گۆردو قلبیمیزده، جانیمیزدادیر.

ازلدن قایدادیر بیزده هر زمان،

اورکده یاشیار آدلی قهره‌مان.^{۳۹}

۳.۲.۲. جنبش استقلال ۱۹۱۸

یکی از رویدادهای مهم قرن بیستم، بدون شک انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ است.^{۴۰} پس از فروپاشی روسیه تزاری، دولت سوسیالیستی که به قدرت رسید، آزادی‌هایی هرچند موقت، به مردمان تحت حکومت و نفوذ خود اعطا کرد.^{۴۱}

³⁹ KAFKASYALI, III/182-185.

^{۴۰} برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به: نقی کتیکورون، خاطراتی از مبارزه آذربایجان برای استقلال (۱۹۲۰-۱۹۰۵)، انتشارات ایلکه، آنکارا، ۱۹۹۸، ص ۷۴ به بعد؛ میرزا بالا محمدزاده، جنبش ملی آذربایجان، انتشارات انجمن فرهنگی آذربایجان، آنکارا، ۱۹۹۱؛ اودر، ص ۸۱ به بعد.

⁴¹ KAFKASYALI, II/6.

در واقع، در یکی از اولین اعلامیه‌های خود، اظهار داشت: «ما اعلام می‌کنیم که قرارداد مربوط به تقسیم ایران پاره و لغو شده است. در برخی از این کشورها، اداره امور توسط کمیته‌های ملی آغاز شده است. آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی از جمله آنها هستند.»

اولین جامعه ترک که سعی در بهره بردن از فروپاشی روسیه تزاری داشت، آذربایجان شمالی بود. جنبش استقلال ملی ترک که در سال ۱۹۱۷ در آذربایجان شمالی آغاز شد، به آذربایجان جنوبی نیز گسترش یافت. شیخ محمد خیابانی در خط مقدم این جنبش قرار داشت.^{۴۲} خیابانی که در باکو بود، پس از بازگشت از سفر حجاز و استانبول در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۸، از نزدیک شاهد جنبش استقلال ملی ترک‌ها در آذربایجان شمالی بود. سپس به تبریز نقل مکان کرد و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد.^{۴۳} او مقالات بسیار مهمی در روزنامه «تجدد» نوشت و جاه‌طلبی‌های قدرت‌های امپریالیستی و همدستان محلی آنها را افشا کرد و امید و عزم را در مردم زنده کرد. او به دلیل فشار دولت تهران دو بار مجبور به ترک تبریز شد. پس از عقب‌نشینی ارتش روسیه از

^{۴۲} شیخ محمد خیابانی، دولتمرد ترک، در سال ۱۸۸۰ در هامنه، شهری در جنوب تبریز، متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در هامنه و تحصیلات متوسطه و عالی را در تبریز و ماخاچ‌قلعه، پایتخت داغستان، به پایان رساند. او در رشته‌های فلسفه، تاریخ، اقتصاد، ریاضیات و نجوم تحصیل کرد. او به زبان‌های ترکی، عربی، فارسی، روسی و فرانسوی مسلط بود. او سفرهای زیادی کرد، با علما ملاقات کرد و با آنها تبادل نظر نمود. برای اطلاعات بیشتر، نک:

KAFKASYALI, IV/383 et seq

^{۴۳} TOGAN, "Azerbaycan" mad., İslâm Ansiklopedisi, II/117.

آذربایجان جنوبی در ۲۸ فوریه ۱۹۱۸، به تبریز بازگشت و دومین کنگره بزرگ فرقه دموکرات را تشکیل داد. در این کنگره که ۴۸۰ نماینده در آن حضور داشتند، تصمیمات بسیار مهمی گرفته شد. در همین حال، در ۲۸ مه ۱۹۱۸، «جمهوری آذربایجان» در آذربایجان شمالی به رهبری محمد امین رسول‌زاده تأسیس شد.

در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۸، ارتش ترکیه به فرماندهی علی احسان پاشا به تبریز رسید. مردم تبریز با در دست داشتن پرچم‌های ترکیه، به استقبال پاشا رفتند و کلیدهای شهر را تحویل دادند.^{۴۴} ارتش عثمانی، مجدالسلطنه، شاهزاده قاجاری که به خاطر دیدگاه‌های ترک گرایانه‌اش شناخته می‌شد، را به عنوان والی تبریز منصوب کرد.^{۴۵} دوستان خیابانی (هیئت مدیره حزب دموکرات) با این امر مخالفت کردند. خیابانی و دوستانش اوضاع را به فرماندهی ترک‌های عثمانی گزارش دادند. متأسفانه، پاشا و خیابانی نتوانستند به توافق برسند. خیابانی به قارص فرستاده شد. در این زمان، جنگ جهانی اول پایان یافته بود، "دولت قفقاز جنوب غربی" در قارص تأسیس شده بود و ارتش ترکیه عثمانی از کل منطقه عقب‌نشینی کرده بود. به دنبال آن، شیخ محمد خیابانی به تبریز بازگشت.

⁴⁴ Kâzım KARABEKİR, İstiklâl Harbimiz, Yüce Yay., İstanbul 1990, s.VIII.

⁴⁵ Emre BAYIR, "Fars Milliyetçiliğinin Gelişimi ve Güney Azerbaycan'da Millî Direniş Hareketi", Avrasya Dosyası, C. 5, S. 3, s. 98; ÖREN, s. 64.

در ژوئن ۱۹۱۹، تبریز، با حمایت بریتانیا، بار دیگر تحت حکومت ایران قرار گرفت.

در ۷ آوریل ۱۹۲۰، حزب دموکرات، دولت «آزادیستان» را اعلام کرد. دولت ملی دموکراتیک آذربایجان، به رهبری خیابانی، شروع به انجام کارهای بسیار مهمی کرد. دولت تهران، دولت تبریز را به رسمیت شناخته و ارتشی را به رهبری مخبر السلطنه هدایت به تبریز فرستاد. مخبر السلطنه، با توافق با حسین خان سرگرد، فرمانده ژاندارمری تبریز، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ به مقر دولت در منطقه‌ای به نام «عالی قاپی» حمله کرد. به مدت سه روز، خانه‌های همه دموکرات‌ها غارت شد. خیابانی در خانه شیخ حسن بادامچی بود. او را لو دادند. خانه بادامچی محاصره شد. خیابانی تسلیم نشد. او در کنار دوستان وفادارش جنگید. خیابانی خسته و فرسوده، به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسید.^{۴۶}

ده‌ها شاعر، نویسنده و دانشمند با اشعار، نوشته‌ها و ایده‌های خود از این جنبش حمایت کردند. به همین دلیل، بسیاری از این روشنفکران کشته شدند. یکی از شاعرانی که توسط پهلوی کشته شد، پسیان تبریزی بود که اشعارش به عنوان سرود در میان مردم پخش می‌شد. یکی از اشعار او که به عنوان سرود خوانده می‌شد و ترک‌های ایران را به وجد می‌آورد، این است:

"وطن شرفینی جانلا قورویاق

⁴⁶ ÖREN, s. 68.

وطني دوشمني بوسبوتون قوواق"

بسدير بوبطالت، بسدير سرخوشلوق،

قالخين، داها بسدير، بسدير لاقئيدليك.

ييزه ياراشماير اسير ياشاماق!

آلچاق ياشاماقدان اولوم ياخشيدير،

بو اولوم اينسانا شرف بخش ائدير.

اگر توفنگ يوخدور، قيلينج يوخدورسا،

دوشمني يومروقلا، آغاجلا قوواق.

ييزه ياراشماير اسير ياشاماق!

وطن تورپاغيندا مرد آدديملاياق،

هر بير مانعي سينديريب آتاق.

ووروش بابالارين تاريخينده دير،

اي ايگيد اوغوللار، گلين، ووروشاق.

ييزه ياراشماير اسير ياشاماق!⁴⁷

⁴⁷ MENÂFî v.dğr., II/66

قتل عام هزاران ترک توسط اسماعیل آقا سیمکو (کرد اسماعیل سمیتکو) از قبیله شکاک در سال ۱۹۲۲، طی حملات تحت حمایت قدرتهای امپریالیستی به برخی از شهرهای آذربایجان جنوبی، در شعر آذربایجان جنوبی نیز منعکس شده است. میرزا علی معجز در شعر "ان شاءالله" خود به این موضوع اینگونه پرداخته است:

«کۆنول شاد اول، آچیل قیزیل گول کیمین،

آه او فغان ائيله مه بولبول کیمین،

قاراداغدان قوشون گلیب سئل کیمین،

الله توتار سمیتقونو، اینشاللاه،

یاخشی اولار ایشین سونو، اینشاللاه.

...

ظالم لار یاندیردی قاراقیشلاغی،

داغیتدی اورمونو، هم قاراباغی،

بو یادی قان ایله ساووجبولاغی،

الله توتار سمیتقونو، اینشاللاه،

یاخشی اولار ایشین سونو، اینشاللاه»^{۴۸}

۳.۲.۳ جنبش استقلال ۱۹۴۵-۱۹۴۶

از دیگر رویدادهای مهم قرن بیستم، تأسیس «حکومت ملی آذربایجان» در آذربایجان جنوبی به رهبری میرجعفر پیشه‌وری در طی جنگ جهانی دوم بود. رضاشاه، دوست نزدیک آلمانی‌ها، از اجازه عبور انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها که می‌خواستند به روس‌ها کمک کنند، از کشورش خودداری کرد. در نتیجه، روس‌ها در ۲۵ آگوست ۱۹۴۱ از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به ایران حمله کردند. روس‌ها در ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۱ وارد تبریز شدند.^{۴۹} رضاشاه از سلطنت خلع و بایک ناو جنگی انگلیسی به جزیره موریس تبعید شد و پسرش محمدرضا بر تخت سلطنت نشست. روس‌ها چون در حال جنگ بودند، با مردم به خوبی رفتار کردند و مردم آذربایجان جنوبی را به حال خود رها کردند. همچنین زندانیان سیاسی را از زندان‌ها آزاد کردند. بدین ترتیب میرجعفر پیشه‌وری که ۱۱ سال زندانی بود، از زندان کاشان آزاد شد و به تهران آمد و از آنجا به تبریز رفت و مبارزات خود را آغاز کرد. سیدجعفر پیشه‌وری، ترک‌تبار اهل خلخال در جوانی به باکو رفت و تحصیلات خود را در آنجا به پایان رساند. در ۳۲

⁴⁸ MENÂFİ v.dğr., II/90.

⁴⁹ TOGAN, "Azerbaycan", II/118.

سالگی به ایران بازگشت. او مبارزه علیه رضاشاه دیکتاتور را آغاز کرد، به زندان افتاد و ۱۱ سال در زندان ماند. پیشه‌وری که به عنوان یک کمونیست وارد زندان شده بود، به عنوان یک ملی‌گرای مدافع عدالت اجتماعی و دموکراسی خارج شد.^{۵۰}

پس از ورود نیروهای شوروی به آذربایجان جنوبی، ۳۸۱۶ غیرنظامی از جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان برای کار به آنجا اعزام شدند. بیست روز بعد، گروه دیگری متشکل از ۵۰۰ مامور دولتی اعزام شدند. بعداً، ۶۲۰ مقام دیگر به رهبری شاعر مشهور صمد و ورغون اعزام شدند. وظیفه آنها این بود که از طریق تبلیغات سیاسی و فعالیت‌های مختلف، به مردم آذربایجان جنوبی نشان دهند که تنها نیستند، در شمال برادرانی دارند، می‌توانند در صورت لزوم با هم عمل کنند و نیز نشان دهند که روس‌ها حامی آنها هستند؛ با انتشار روزنامه و کتاب، تأسیس کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و ساخت تئاتر، سینما و سالن‌های کنسرت، آگاهی عمومی را افزایش دهند.^{۵۱}

میرجعفر پیشه‌وری مورد حمایت مردم آذربایجان شمالی و بنابراین روسیه بود. در اولین انتخابات برگزار شده، پیشه‌وری از حزب دموکرات ایران به عنوان نماینده تبریز انتخاب شد. رضا شاه پهلوی نگذاشت پیشه‌وری و همفکرانش وارد مجلس شوند. پیشه‌وری که نتوانست وارد مجلس شود، به تبریز بازگشت و

⁵⁰ ÖREN, s. 89 vd

⁵¹ Cemil HESENLİ, "Güney Azerbaycan: 1945 Yılıının Sonbaharı", Türk Dünyası Araştırmaları, İstanbul 1999, S. 23, s. 645 vd.

رئیس حزب دموکرات آذربایجان شد. مجلس مؤسسان تشکیل شد. پس از آن، انتخابات برگزار شد و در ۲۱ مارس ۱۹۴۵، «حکومت ملی آذربایجان» تأسیس شد.^{۵۲}

علی فطرت، میر مهدی اعتماد، حسین صحاف، مظفر درفشی، میر مهدی چاوشی، یحیی شیدا و بالاش آذراوغلو، اعضای انجمن شاعران تبریز، با شعر زیر حکومت ملی آذربایجان را تبریک گفتند:^{۵۳}

«سئجدی ائل لر خالق ایچیندن شوقیله اون بیر وزیر،

اولمایا یادلار الینده خالقیمیز بیر ده اسیر.

دوغما دیلده کؤریه لر وئرمکده ایندی سس سسه،

آغوشون آچمیش ائله، گل گل دئیر هر مدرسه

ای وطن، ای شانلی آذربایجان فخر ائيله سن!

^{۵۲} دولت ۱۰ وزیر داشت: میر جعفر پیشه‌وری رئیس، دکتر سلام‌الله جاوید وزیر کشور، جعفر کاویان وزیر ارتش خلق، محمد بیریا وزیر آموزش ملی، غلام رضا الهامی وزیر دارایی، دکتر جاوید مهتاش وزیر کشاورزی و امور روستایی، یوسف عظیمی وزیر دادگستری، میرزا ربیع کبیری وزیر پست و تلگراف، دکتر حسن اورنگی وزیر بهداشت، سرتیپ‌زاده: وزیر کار و اقتصاد، نورالله یکانی: وزیر راه و ترابری.

ARAZOĞLU, Muxteser Azərbaycan Tarixi, Bütöv Azərbaycan Kitabxanası Tarix Seriyası, Bakı 1999, s. 127; HESENLI, "Güney Azərbaycan: 1945 Yılıının Sonbaharı", s. 91 vd.

^{۵۳} HESENLI, "Güney Azərbaycan: 1945 Yılıının Sonbaharı", s. 91 vd.

پیر ده آت چاپماز سنین سینه‌نده هئچ واخت هر یته‌ن...

قوی مزاریندان دوروب احسن دئسین سرداریمیز

قوی باخیب اؤولادینا فخر ائله‌سین سالاریمیز!

شاعر، حسین صحاف، شادی آن روز را با شعر خود با عنوان «ملی حکومتین
قورولماسی» در تاریخ ادبیات ثبت کرد.

«شوکورالله اله گلدی یته حورریتیمیز،

یاشاسین هیئت میلی، یاشاسین میللتیمیز.

نه قدر واردی بو دنیا سیزه حق یار اولسون،

دوشمنیز هر ایکی دنیا‌دا گؤروم خار اولسون،

مرحبا، شانلی فدایی لریمیز وار اولسون،

چالیشیب گلدی دوباره یئرینه عزتیمیز.

...

تا جهان وار یاشاسین، هیئت میلی یاشاسین!

قدرت و شوکت و حیثیت میلی یاشاسین!

حشر اولونجا علم نصرت میلی یاشاسین!

یاشاسین هیئتی میز، هیئت میلیتی میز!

آشکار ائيله ديلر معني حب الوطني،

ياشاسين هيئت ميللي، ياشاسين انجمني!»^{۵۴}

حسين صحاف در شعر ديگري با عنوان «خطاب به حکومت ملی» دوباره به موضوع حکومت ملی می‌پردازد.

«ای شرافتلی و طنداش لار، حمیت و اختی دیر،

سعی و جدیت گر کدیر، ایندی غیرت و اختی دیر.

شام محنت گئتدی، بیدار اول، گلیب وقت سحر،

سعی و جدیته گؤردوز واردیر بیر طبع اثر،

مختصر کوشش بو ائنادا وئریب کلی ثمر،

مرتجع لر محو اولوب، میلی حکومت و اختی دیر.

...

ای جاوان لار، خالقیمیز سیزدن گرک دیشاد اولار،

جهت اندین ملک وطن باشندان باشا آباد اولار،

تا جهان وار کوشش و سعی یز جهاندا یاد اولار،

⁵⁴ MENÂFİ v.dğr., III/116-117. ⁹⁸ KAFKASYALI, III/114-116.

امتحان ایامیدیر، کسب شرافت واختی دیر.

...

نغمه باشلار شوق ایله آلدۀ صحافین قلم،

شرح حال میللتی ائیلر باجاردیقجا رقم

هئیت میللت، فدائی وصفین ائیلر دمبدم،

قدردانلیق فرضدیر، شکران نعمت واختی دیر.^{۵۵}

علی فطرت از جمله شاعرانی بود که در جنبش استقلال شرکت داشت و با شعر

خود از مجلس ملی آذربایجان را استقبال کرد. او در شعر «مجلس ملی یه» به

تاریخ این روز اشاره می کند و می گوید:

«بنای ظولمو ائدیب دست عدل، زیر و زبر،

آچیلدی مجلس میللی گنبدیدیر حزن، کدر.

گنبدیری ۱۳۰۰ ایل ۲۴ شمسی دن،

^{۵۵} علی فطرت به دلیل شرکت در جنبش استقلال توسط پلیس شاه دستگیر و در زندان تا سر حد مرگ شکنجه شد (۱۹۴۸). برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به: صابر امیروف، ادبیات ملی - دموکراتیک آذربایجان جنوبی (۱۹۹۰-۱۹۴۱)، انتشارات علم، باکو ۲۰۰۰، ص ۵۱؛ ای. صابر، مجموعه ادبی نویسندگان آذربایجان جنوبی، انتشارات وقایع آذربایجان، b۷۷، ۱۹۶۰، ص ۳؛ گلچین ادبیات ترکی خارج از ترکیه، انتشارات وزارت فرهنگ، آنکارا ۱۹۹۷، ۳۸۵۷/؛ منافی و همکاران، ۲۴۱۱/.

بو امرِ خیرِ اولوب شانلی خالقیمیزدان اثر.

او گۆزلری کی، گنججه صبحه دک یاتاممازدی،

یاتیدی گۆر نجه آسوده ایندی او گۆزلر.

او دیل لری کی، اولار حق سؤزون دئیهممه زدی.

بو گون اولوبدولار آزاد، خالقا نطق ائیلر.

...

باشیندا فیکرِ نفاقی اولان لارین فطرت،

گونش دوشوب گۆزونه، گۆزلری ائدهر پرپر.^{۵۶}

در ۷ مه ۱۹۴۵، آلمانی‌ها تسلیم قدرت‌های متفقین شدند.^{۵۷} طبق این توافق،

نیروهای اشغالگر باید ظرف شش ماه ایران را ترک می‌کردند. نیروهای

بریتانیایی، آمریکایی و فرانسوی از ایران خارج شدند. با این حال، نیروهای

روسی عقب‌نشینی نکردند. آنها به نفت ایران چشم دوخته بودند. آنها

می‌خواستند از جنبش آذربایجان جنوبی به عنوان اهرم فشار استفاده کنند.

⁵⁶ MENÂFi v.dğr., III/26.

^{100 57} Fahir ARMAOĞLU, 20. Yüzyıl Siyasî Tarihi -1914-1980-, 402; Oral SANDER, Siyasi Tarih -1918-1990-, İmge Yay., 3. Baskı, Ankara, 1993, 167; Coşkun ÜÇÖK, Siyasal Tarih (1789-1960), Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Yay., 3. Baskı, Ankara, 1980, 282.

پیشه‌وری با تمام توان برای تقویت آذربایجان جنوبی تلاش می‌کرد. او دانشگاهی در تبریز تأسیس کرد، زبان ترکی را زبان رسمی قرار داد و گام‌های مهمی در کشاورزی، صنعت و اصلاحات ارضی برداشت.

(محمد/مترجم) رضاشاه، نخست وزیر خود، قوام، را به مسکو فرستاد تا با روس‌ها که نیروهای خود را از کشور خارج نکرده بودند، توافقی پنهانی منعقد کند. او به روس‌ها حق بهره‌برداری از میادین نفتی آذربایجان جنوبی را اعطا کرد. روس‌ها که به خواسته خود رسیدند، شروع به خروج ارتش‌های خود از آذربایجان جنوبی کردند. پیشه‌وری در تنگنا قرار گرفت. در یک جلسه پنهانی، آنها در مورد سه گزینه تصمیم گرفتند: اول، الحاق به ترکیه؛ دوم، اگر این الحاق موجب آسیب به ترکیه می‌شد، اعلام استقلال و جلب حمایت ترکیه؛ و سوم، در صورت عدم دریافت پاسخ مثبت از ترکیه ماندن در داخل ایران. هیئتی به آنکارا اعزام شد. این هیئت سه ماه منتظر ماند تا با اینونو در آنکارا ملاقات کند. ترکیه از توافق مخفی نفتی بین استالین و شاه آگاه بود. او که نمی‌خواست روسیه را عصبانی کند، به این درخواست پاسخ مثبت نداد. شاه و قوام اکنون به دنبال راه‌هایی برای از بین بردن «حکومت ملی آذربایجان» و حکومت کُرْد مهاباد به ریاست قاضی محمد بودند. آنها اعلام کردند که انتخابات عمومی در کشور برگزار خواهد شد. تبریز طبیعتاً با این امر مخالفت کرد. تهران «حکومت خودمختار آذربایجان» را غیرقانونی اعلام کرد و ارتش‌های خود را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶ بسیج کرد. پیش از ارتش ایران، واحدهای ویژه‌ای به نام «میهن پرستان» در ۱۲ دسامبر ۱۹۴۶ وارد تبریز و ارومیه شدند. تا زمان ورود

واحدهای ارتش منظم در ۱۴ دسامبر، آنها هزاران ترک آذربایجانی را قتل عام و شهر را غارت کردند. تا ۲۰ دسامبر، واحدهای ارتش ایران کنترل آذربایجان جنوبی را به دست گرفته بودند. طبق منابع رسمی، بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته، بیش از ۱۱۰۰۰ نفر دستگیر و ۸۰۰۰ نفر به مناطق فارس تبعید شدند.^{۵۸} در واقع، ۲۰ تا ۲۵۰۰۰ ترک آذربایجان جنوبی شهید شدند.^{۵۹} ارتش شاه، با حمایت قدرت‌های خارجی، به تمام مؤسسات فرهنگی، هنری و ادبی متعلق به ترک‌های ایران حمله کرد. آنها تمام انتشارات، کتابفروشی‌ها، خانه‌های شاعران و نویسندگان و تمام باشگاه‌های فرهنگی و موزه‌ها را ویران و غارت کردند. تمام کتاب‌های مربوط به فرهنگ ترک، به ویژه کتاب‌های منتشر شده به زبان ترکی، مصادره و با سوزاندن در آتش‌های بزرگ از بین رفتند.^{۶۰} شاعر علی توده در شعر بلند خود با عنوان "کیتاب تونقالی" به این رویداد، به عنوان یکی از زشت‌ترین اعمال قرن بیستم، اشاره می‌کند.^{۶۱}

«شهرین ایچینده داشلی بیر میدان،

یانیر اورتالیدا کیتاب تونقالی.

کناردا دایانان نئچه یوز اینسان،

⁵⁸ HESENLI, "Güney Azerbaycan Millî Harekâtı", Türkler, XX/650.

⁵⁹ BAYIR, s. 117 vd.; ÖREN, s. 103.

⁶⁰ BAYIR, s. 117; E. S. SUMBATZÂDE, Ş. E. TAĞIYÉVA, O. S. MELIKOV, Azərbaycan Tarixinin Oçérki (1828-1917), Élm Neşriyyatı, Bakı 1985, s.171.

⁶¹ برای اطلاعات بیشتر، نک: KAFKASYALI, V/361 et seq.

آلوا باخدیقجا گؤزو قارالیر.»

شاعر ملی آذربایجان، صمد وورغون نیز جلادان وحشی شاه را که کتابها، کتابخانهها و انتشاراتیها را آتش میزدند و مردم بی گناه را دسته دسته به دار می آویختند، اینگونه خطاب می کند:

"جلاد! سنین قالاق قالاق یاندردیغین کیتاب لار،

مین کمالین شؤهرتیدیر، مین اورهیین آرزوسو...

بیز کؤچوروک بو دونیادان، اون لار قالیر یادگار،

هر ورقه نقش اولونموش نئجه اینسان دویغوسو.

مین کمالین شؤهرتیدیر، مین اوریین آرزوسو...

...

نهدیر او دار آعاج لاری، دئی، کیم لردیر آسیلان؟

اویونجاق می گلیر سنه وطنیمین حاق سسی؟

دایان!.. دایان!.. اویاق گزیر هر اور کده بیر آسلان،

بوغازیندان یایشاجاق اونون قادیر پنجه سی،

اویونجاق می گلیر سنه وطنیمین حاق سسی.»

شاعر حبیب ساهر رنج ترک‌های آذربایجان را در این روز سیاه در شعر "وطنین
ماتمینه" اینگونه بیان می‌کند:

«قیسا بیر زاماندا باهار تک

چیچک‌له‌نن گۆزل یوردوموز

سویوق قبرستانا بنزه‌دی،

داغیلدی دومان تک اوردوموز.

گون چیخاندان قارا یئل اسدی،

بیخیلدی قورقوموز، ائلیمیز،

اودلاندی تالاندی خوی، تبریز،

اورمی آخار سولار دیاری،

گولو سولوب، رنگی ساراردی،

هر گون، هر گئجه قاپیمیزدان

آجلیق، اؤلوم گیردی ایچری.

هئچ اونودولار می او گون‌لر؟

جنوبا یوللانان سورگون‌لر.

کیم اونودایله ر او قیشدا،

آخشاما دک قاردا، یاغیشدا،

قارا زیندان لارین اؤنونده

یثره سریلن آروادلاری...»^{۶۲}

پیشه‌وری به همراه تعدادی از سربازانش مجبور به پناهندگی در باکو شد. ده‌ها شاعر، نویسنده، بوروکرات و نماینده مجلس نیز با او به باکو رفتند. استالین نگران شد. او بیم داشت که پیشه‌وری، با کنار گذاشتن کمونیسم و روی آوردن به ملی‌گرایی، باعث شورش در میان ترک‌های کشورش شود. «نقش» او در سناریوی مخفی از قبل تمام شده بود. پیشه‌وری در ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۷ در یک تصادف رانندگی به قتل رسید.^{۶۳}

بالاش آذراوغلو شعر زیر را با عنوان "پیشه‌وری نین مزاری باشیندا سروده است:

«هیکلینین اؤنونه بیر چیچک قویدوم بیر دسته،

بیر قوجاق شئه تۆکولدو مرمر قبرینین اوسته.

^{۶۲} برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به:

KAFKASYALI, V/362; Semed VURĞUN, Seçilmiş Eserleri I-II, haz.: Kemal TALIBZÂDE, Azerneşr, Bakı 1986, s. 133; SUMBATZÂDE v. dğr. s.172; Ş. TAĞİYEVA v. dğr., s. 247-248. ¹¹⁰ MENÂFİ v.dğr., III/85-86.

⁶³ ÖREN, s. 103.

...

سۇن كى، بئله دىيلدىن، بو ساكىتلىك نە حالدى،

او آلۇولو نىطقلىر، سۇزلىر ھارادا قالدى؟!

نە واخت دارا دوشوردوك، تئز يانينا گليردىك،

سنىنلە دردلىشىردىك، اوركدن دىنجليردىك.

...

باشينا بلا ايدى، ارادەن، لياقتىن.

بلکہ... بلکہ... دئدىكجە سويويور غۇشىمىز.

...

سونرا ھر شى دىيشدى، تەكجە بىز دىيشمەدىك،

كۆھنە ھامام، كۆھنە تاس...

ھرايل "اينشاللاھ" دئىب گلن ايلي گۆزلەدىك،

قلىمىز دە گزديرىب بىز نىسگىلى گۆزلەدىك.

ياز بايرامى اولاندا يادا سالدىق تىرىزى،

دئدىك، گلن بايرامدا گۆرەك وطينمىزى.

بو سۇزلىرى دئمكدن يورولوب اوسانمادىق،

اؤزوموز دئنه سؤزه اؤزوموز اينانماديق.

...

ياخشى دئيىب آتالار..

"باش بيله اولماياندا يول كسن دارغا اولار..."

اينقيلابى ائدهن لر كوچه لرده قالديلار،

اينقيلابدان قورخانلار گليب باشچى اولدولار...

ايندى تك ايران دييل، دونيا باشقا دونيادير،

اون ايل قاباق دئسه يدين دئيرديلر رؤيادير...»^{۶۴}

اگر چه جنبش پيشه‌ورى يک جنبش شکست خورده به نظر مى‌رسد. با اين حال، مانند جنبش‌هاى مى پيشين، در نهايت مردم را برانگيخت، توجه ده‌ها نويسنده، شاعر و آموزگار را به اين آرمان مى جلب کرد و فداكارى‌هاى سنگينى را که در مبارزه براى استقلال لازم بود، نشان داد. بار ديگر مشخص شد که کشورهاىي مانند روسيه، که آنها دوست خود مى دانستند، چه دشمنان حسابگرى هستند. اين قيام مى، نويسندگان، شاعران و هنرمندان را بسيج کرد. روح و شور مى در حال جوشش، به شعر، ترانه‌هاى عاميانه، حماسه‌ها و هنر

^{۶۴} مجله "۲۱ آذر"، ۱۹۹۹-دورتموند/آلمان، شماره ۲، صفحات ۱۴-۱۳.

تبدیل شد. ادبیات، تاریخ، موسیقی و هنر گام‌های بلندی برداشتند و فصل‌های جدیدی را گشودند.

در اواسط قرن بیستم، مبارزه برای تقسیم ثروت‌های ایران و آذربایجان جنوبی شدت گرفت. مردم در شرایط بسیار سختی تحت کنترل غول‌های نفتی: آمریکا، فرانسه، هلند، انگلستان و روسیه قرار گرفتند. در انتخابات ۱۹۴۷، حزب دموکرات ایران به رهبری قوام با اکثریت قاطع به قدرت رسید.

شاه و قوام مخفیانه و از طریق یک توافق پنهانی، بهره‌برداری از میادین نفتی آذربایجان جنوبی را به روس‌ها واگذار کردند. محمد مصدق، نماینده مجلس با اصالت ترک،^{۶۵} پس از اطلاع از این موضوع، ملی شدن شرکت‌های نفتی را پیشنهاد داد.^{۶۶} افکار عمومی به نفع مصدق عمل کرد و قوام استعفا داد. چندین

^{۶۵} برای اطلاعات گسترده در مورد تحولات دوران دکتر مصدق و ملی شدن نفت ایران، رجوع کنید به: اسماعیل کایابالی و سمندر اصلان اوغلو، سایه ایران که تا آناتولی امتداد دارد: تاریخچه مختصری از خطوط اصلی و حقایق ۱۴۵۳-۱۹۸۹، مجموعه آفست یای، آنکارا، ۱۹۹۰، صفحات ۲۸۴-۳۰۰.

^{۶۶} این کمیسیون به ریاست دکتر مصدق، در ۸ مارس ۱۹۵۱ پیشنهاد ملی شدن را به مجلس ارائه کرد و در ۱۵ مارس ۱۹۵۱، مجلس قانون ملی شدن تک ماده‌ای را تصویب کرد. (شوکر و س. گورل، جایگاه نفت خاورمیانه در سیاست بین‌الملل، صفحه ۸۲) متن قانون به شرح زیر است: «برای سعادت و رفاه ملت ایران و به منظور حفظ صلح جهانی، تصمیم گرفته شده است که کل صنعت نفت در سراسر کشور بدون استثنا ملی شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و تولید توسط دولت انجام شود.» در ۳۰ آوریل ۱۹۵۱، قانون اجرای ملی‌سازی توسط مجلس تصویب شد که از اول ماه مه لازم‌الاجرا شد. (بنجامین شوادران، نفت خاورمیانه و قدرت‌های بزرگ، ص. ۹۱).

نخست وزیر به سرعت و پشت سر هم تغییر کردند. در ۲۹ آوریل ۱۹۵۱، محمد مصدق، رهبر جبهه ملی، نخست وزیر شد.^{۶۷} سپس سرویس‌های مخفی بریتانیا و آمریکا برای برکناری مصدق تلاش کردند.^{۶۸} در شب ۱۹ آگوست ۱۹۵۳، کودتایی رخ داد و مصدق دستگیر شد.^{۶۹} در ۲۲ آگوست ۱۹۵۳، پس از شش روز غیبت، شاه به تخت سلطنت بازگشت. نخست وزیر زاهدی به سرعت تمام خواسته‌های آمریکا، بریتانیا، فرانسه، هلند و روسیه را برآورده کرد.^{۷۰}

^{۶۷} پس از ترور نخست وزیر رزم آرا در ۳ مارس ۱۹۵۱ توسط سازمانی به نام «فدائیان اسلام» و استعفای جانشین او، علاء، دکتر مصدق به توصیه مجلس به نخست وزیری رسید. (همان، صفحات ۹۱-۹۲)

^{۶۸} مورد اعتمادترین مرد مصدق، ژنرال اوشار طوس، رئیس ساواک، در ۴ آوریل ۱۹۵۳ در تهران ناپدید شد و روز بعد جسدش در کوه‌های البرز پیدا شد. (رائف کاراداغ، *طوفان نفت*، انتشارات دیوان، استانبول ۱۹۹۱، صفحه ۳۵۵).

^{۶۹} با تشدید وقایع، شاه با هواپیما از طریق بغداد به رم گریخت. در حین فرار، مصدق را برکنار و زاهدی را به جای خود منصوب کرد. سرانجام، سیا، ساواک و سرویس اطلاعاتی با هم متحد شدند و کیسه‌های پول را باز کردند. بازرگانان برجسته بازار تهران دستگیر شدند. با ملای معروف بهبهانی همکاری برقرار شد و با کمک او، همه ملاها به بهانه اینکه "دین در معرض خطر است" مسلح شدند. (بلغا، ص. ۲۳)

^{۷۰} کاراداغ، صفحه ۳۷۸. «روابط با قدرت‌های بزرگ عادی‌سازی شد و در سال ۱۹۵۴ یک کنسرسیوم بین‌المللی نفت متشکل از شرکت‌های بریتانیایی، فرانسوی، هلندی و آمریکایی تأسیس شد که به این نهاد اختیار استخراج نفت و بهره‌برداری از تأسیسات نفتی را می‌داد.» (مدخل ایران، بویوک لاروس، روزنامه ملیت، XI/5754)

شاعر، علی اکبر پاکزاد حداد (۱۹۰۱-۱۹۶۶)، با آگاهی کامل از دلیل شکستشان، شعر خود «ای بی حیا کیشی» را خطاب به همدستان محلی که با قدرت‌های امپریالیستی همکاری می‌کردند، سرود:

«اؤز نوعونه خیانت ائدهن بیشر ف کیشی،

اومید خئیر سنده مسلمانه قالمادی.

نه خیدمت ائیلهدین وطنه، خالقاً، میللته؟

سندن وطنده میللته کارخانه قالمادی.

ائيله گومان ائيله مه دونیا قالار سنه،

سندن قاباق ددهن کیمی حیوانا قالمادی.

...

واختین یئترسه، سن ده گئدرسن، سفئه کیشی.

بو کؤهنه دئیردیر کی، بیه، خانه قالمادی،

بیگانه‌لر یئیه‌ر مالینی، آروادین آلار.

اوغلون دئیر: دده، پولون احسانه قالمادی.

...

چوخ وارلی اؤلدو، آروادی گؤردوک بو شهرده،

آختاردی، تاپدی، گنتدی بیر اوغلانه، قالمادی.

...

مندن دئمکدی، سندن ائشیتمک بو سؤزلری،

فیکریم یورولدو، حؤوصله دستانه قالمادی.

حداد'دن مکدر اولورسان بو باره ده،

اولسان دا، من دئدیم سؤزو مردانه، قالمادی.»^{۷۱}

۳.۳. «انقلاب اسلامی ایران»

در ژانویه ۱۹۶۳، خمینی با «انقلاب سفید» مخالفت کرد و کشور را ترک

کرد.^{۷۲} در ژانویه ۱۹۶۵، نخست وزیر منصور ترور شد. در سال ۱۹۶۷،

محمدرضا پهلوی خود را «شاهنشاه» اعلام کرد. در سال ۱۹۷۱، او خود را

امپراتور اعلام کرد و تاج امپراتوری را بر سر گذاشت. در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱، سه

جزیره متعلق به امارات متحده عربی توسط ایران اشغال شد. شاه، که با ارتشی

۴۰۰۰۰۰ نفری، ژاندارمری ۸۰۰۰۰ نفری و نیروی پلیس مخفی ۱۰۰۰۰۰ نفری

⁷¹ MENÂFİ v.dğr., III/92.

⁷² İsmail ZENGİN, İran Devrimi ve Ortadoğu'ya Etkileri, Milliyet Yay., Mayıs 1991, s. 64 vd.

حکومت می‌کرد، کشور را به یک دولت پلیسی تبدیل کرد. شکنجه و ظلم و ستم گسترده شد.^{۷۳}

در ژانویه ۱۹۷۸، مقاله‌ای در انتقاد از خمینی منتشر شد که باعث اعتراضاتی در قم شد و به سرعت در سراسر ایران گسترش یافت. در ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ حکومت نظامی اعلام شد. وقایع در طول سال ادامه یافت. در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹، (محمد) رضا شاه پهلوی و همسرش فرح کشور را ترک کردند. تظاهرات گسترده‌ای با حضور ۴ میلیون نفر در تهران برگزار شد و خمینی به ایران بازگشت. در ۱ آوریل ۱۹۷۹، جمهوری اسلامی ایران از طریق همه‌پرسی تأسیس شد. بولوت قاراچورلو سهند با شعری بلند با عنوان «امام‌ا سلام»، به «امام» ادای احترام می‌کند.

"من "سهند" ام ایلمز یادا توفانلی باشیم،

ائل بیلیر، حاقلی دؤگوش لرده کنچیب چوخلو یاشیم.

اؤیوره‌م من سنی، ای دؤنمزیم، ای جبهه‌داشیم،

ای ائلی نین خلف اوغلو، سنه مین لرجه سلام.

ای یازیق کوتله‌لرین رهبری، ای شانلی امام. "۱۲۵

یکی از رویدادهای اجتماعی مهمی که در قرن بیستم بر ترک‌های آذربایجان جنوبی تأثیر گذاشت، ممنوعیت و سرکوب مداوم ساز و تار، سازهای ملی موسیقی ترکی، در دوران شاه، ادامه آن حتی پس از «انقلاب اسلامی» بود. در روزهای اولیه «انقلاب اسلامی»، مجالس موسیقی ساز و سخن، که سنت آشیقی ترکی بود، ممنوع شد و

⁷³ LAROUSSE, s. 5754.

سازها مصادره و سوزانده شدند. کسانی که از این امر سرپیچی می کردند، با مرگ مجازات می شدند. غم انگیزترین نمونه این امر، قتل تارچی شولان از مراغه است. شاعر منوچهر عزیزی این وقایع - سوزاندن سازها و کشتن تارچی شولان - را در اشعار بلند خود با عنوان «یاندیریان سازلار» و «تارچی شولان» بیان کرده است:

یاندیریان سازلار

محکمه دیر!

دوققوز سازین محکمه سی!

دویغولارین محکمه سی، هارای لارین، ایستک لارین محکمه سی!..

دوققوز جلداد، دوققوز سازی، قالاخلییر، قالاخ کیمین.

قایناغیندان چیخان نفتی، آخیدیرلار او سازلارا.

کیبیریت چکیب اود وورورلار، وارلیغیما احساسیما!

او سازلارین آلوولاری، باغیرین سؤکور قارانلیغین،

نور ساجیلیر قارانقولوق دوستاقلارا،

نور ساجیلیر، فیکیرلره بئیینلره،

نور ساجیلیر کایناتا!

او سازلارین آلوولاری، قیزیل گونش،

ساجاخالارین، ساجانا دک داوام تاییر...

بیردن بیره بیر یئل اسیر، توفان قوپور،

آلوو داها یوکسله رک، هوندورلنیر،

بویون چکیر "شرق"ه باخیر،

باخیر اوردان چیخان گونه، های قوپاریر، هارای سالیر:

"- سلام گونش، مزده وئرین،

آیلمیشیق، گؤرورسن کی! جان وئریریک، قان وئریریک،

تئر الینی وئر الیمه، خالقیمیزا سؤز وئرمیشیک،

بیر ده محال دیر اؤلکه ده، قیزیل گونش باتیب گنده!

یئرین وئر قارانیلغا!»^{۷۴}

«تارچی شولان»

کیم دیر شولان؟

ووقار دولو "راست" دیر شولان!

اقتدارلی "چاهار گاه" دیر او قهرمان...

آذربایجان هنرینین، قایغی کنشی، بیر تارچیدی

ماراغا'دا، شولان کیشی.

^{۷۴} ضبط شده توسط منوچهر عزیزی. موجود در آرشیو خصوصی ما.

یوخ عزیزیم، سهواندیریم، تارچی دییل، تاردیر شولان!

آذربایجان سینه‌سینده، یاردیر شولان!

"موغام‌لار"ین زیروه‌سینده قارتال‌دیر او...

قارا چندن قوپان دومان،

قووزور تاری، وار گوجویله وورور اونو،

تارچی شولان تپه‌سینه!..»

"موغام‌لار"ین زیروه‌سینده هوندورلنه‌ن، قارتال اؤلور...»^{۷۵}

جبرئیل دانش (۱۹۸۶-۱۹۰۸؟)، یکی از شاعر/آشیق‌هایی که در اشعار خود به مسائل سیاسی و اجتماعی ترک‌های ایران می‌پرداخت، در پی ممنوعیت ساز خطاب به «آشیق جنون»، پیر آشیق‌ها، چنین می‌گوید:

«گل باخ سازا، گور ساز نئجه زار زار سنه آغلار،

سازدان یاییلیر سس داغا، داغلار سنه آغلار،

سندن سورا غمگین یاسینا نار سنه آغلار،

خالق ایچره بیزیم اؤلکه‌ده داییم بو مثل وار:

درد اهلی تبین وئرسه الین دن یانار آغلار.»^{۷۶}

^{۷۵} ضبط شده توسط منوچهر عزیزی. موجود در آرشیو خصوصی ما.

^{۷۶} KAFKASYALI, V/456.

شاعر علی اکبر حلاج اوغلو (۱۹۲۶) نیز نظر خود را در مورد ممنوعیت سازهای

موسیقی ملی ترک به شرح زیر بیان می‌کند:

اوخومورسان داها بو ائل لره آی سؤزلو سازیم!

غم لریمدیر می قونوب تئل لره آی توزلو سازیم؟!

بیر عؤمور کلمه دی بیر کلمه یالان سؤز دیلیوه!

سحر آخشام اوخویاردین نه اور کدن ائلیوه؟!

نه گولردین اوجا سسله ال آتاند ائلیوه؟!

جنگ ایران و عراق که در سال ۱۹۸۰ آغاز شد و هشت سال به طول انجامید، به عنوان بهانه‌ای در دسترس برای رژیم خمینی عمل کرد. بنابراین فشارها، محدودیت‌ها، تغییر نظرات - به طور خلاصه، همه جنبه‌های منفی - از نظرها پنهان نگه داشته شدند. مسئله آزادی زبان، که اغلب در سخنرانی‌های قبل از همه‌پرسی ذکر شده و به طور گسترده در اصل ۱۵ قانون اساسی ایران به آن پرداخته شده است، همچنان به حالت تعلیق درآمد. در حالی که در مورد عروسی‌ها، گردهمایی‌ها و نواختن آلات موسیقی مانند تار و ساز تا حدودی سهل‌گیری شد، ممنوعیت آموزش، تدریس و انتشارات زبان ترکی همچنان ادامه دارد.

بازتاب وقایعی که توسط قدرت‌های بزرگ و همدستان منطقه‌ای آنها و حتی رژیم‌های فئودالی و دیکتاتوری تحت کنترل آنها ایجاد شده است، در اشعار و حماسه‌های شاعران و شاعران آذربایجان جنوبی و همچنین در رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، مقالات و نوشته‌های روزنامه‌ای که از اوایل قرن بیستم شروع به انتشار کردند، قابل مشاهده

است.^{۷۷} از آنجایی که فضای مقاله ما محدود است، اجازه دهید نام برخی از نویسندگان برجسته این دوره و چند نمونه از آثار آنها را ذکر کنیم:

شیخ محمد خیابانی (۱۹۲۰-۱۸۸۰) مقاله‌لر، سید جعفر پیشه‌وری (۱۹۴۷-۱۸۹۳) صحبت‌لر و مقاله‌لر، عباس پناهی ماکویی (۱۹۰۲۱۹۷۱) رومان و حکایه‌لر: تبریز گنج‌لری، مبارزلر، ستار خان (ایکی جلد)، خیابانی، گیزی زندان، حیدر عمو و غلو؛ دوکتور تقی ارانی (۱۹۴۰-۱۹۰۲) مدافعه‌نامه؛ اوستاد علی عسکر مجتهدی (۱۹۰۵-۱۹۷۲) تورک دیلینده مثل‌لر؛ گنج‌علی صباحی (۱۹۸۹-۱۹۰۶) حکایه کیتاب‌لاری: قارتال و حیات فاجعه‌لری خاطره‌لری: اؤتن گون‌لریم؛ میرزا ابراهیموف (۱۹۹۳-۱۹۱) مقاله‌لر کیتابی، رومان‌لار: گله‌جک گون، بؤیوک دایاق، پروانه، خاطره‌لر: ساری سیم، حکایه‌لر: پرویزین حیاتی آناما دئییرم‌ها، مدینه‌نین اوره‌یی؛ نمینی ایوب (۱۹۲۰-) خاطره‌لر قیرخ ایل غربتده؛ فتحی خوشگنابی (۱۹۸۹-۱۹۲۲) رومان‌لاری، آتا، ایکی

در طول قرن بیستم، روزنامه‌هایی مانند؛ آراز، آینده‌ی آذربایجان، آذربایجان، آذربایجان اولدوزو، ارمغان آذربایجان، آذری، وطن اوغروندا، باهار آذربایجان، بیرلیک، چنلی‌تل، انجمن، گونش، قیزیل عسگر، ایره‌لی، ایشیق، ملا نصرالدین، نوید آذربایجان، موشتولوق، اودلار یوردو، اوختای، ستار خان بایراغی، تجدد، وطن یولوندا، یازماجا و و مجلاتی مانند آزادلیق، آذربایجان سسی، بیرلیک، چیچک، چووالدوز، دده قورقود، دومان، ادبیات صحیفه‌سی، احرار، الوان چیچک‌لر، ائل دلی و ادبیاتی، اردبیل، ارک، فجر آذربایجان، فروغ آزادی، گونش، قارداشلیق، انقلاب یولوندا، کؤریو، کور اوغلو، مهد آزادی، ملا نصرالدین، امید زنج، سحر، شمس تبریزی، شرق، شمالی غرب، اولکر، وارلیق، یعنی یول، یولداش در شهرهای مختلف آذربایجان جنوبی منتشر می‌شدند. (برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به: انور اوزون، تاریخ مطبوعات آذربایجان جنوبی - ۲۰۰۲-۱۸۱۶-، انتشارات شعبه ترابزون تورک اوجاغی، ترابزون، ۲۰۰۲). ده‌ها شعر و نثری که در بالا به آنها اشاره کردیم، در این مجلات و روزنامه‌ها توزیع می‌شدند.

قارداش؛ حکایه‌لری: ایکی دوست، سون بایراقدار، محبت و نفرت؛ پروفسوردو کتور محمد تقی زهتابی (۱۹۲۳-۱۹۹۸) ایران تورک‌لرینین اسکی تاریخی (ایکی جلد تاریخ)، حکایه‌لر: قوی اولسون اون، رومان: باغبان ائلواوغلو، گرامر کیتابی: معاصر ادبی آذری دیلی؛ حامد محمدزاده (۱۹۲۴-) رومان و حکایه‌لر: حکایه‌لر، فوتبولجو، ایلک محبت، تبریز خاطره‌لری، بیوگرافی: م. ف. آخوندوف و شرق؛ قهرمان قهرمانزاده (۱۹۹۰-۱۹۱۳) حکایه‌لر: مهاجرلر دسته‌سی، افترا، توزلو پالتو، آیریلیق، قیرمیزی باشماق، بایراق سیز آدام، تانینمایان قوناق؛ رحیم جادینکو (۱۹۴۶-۱۹۱۹)؛ جواد هیئت (۱۹۲۵-) آذربایجا ادبیاتی تاریخینه بیر باخیش، وارلیق درگی سینده کی مقاله‌لری؛ علی تبریزی (۱۹۹۷-۱۹۲۹)، مرصیه احمدی اوسکویی دالغا (۱۹۳۴-۱۹۷۳)، صمد بهرنگی (۱۹۶۸-۱۹۳۹)، علی کمالی (۱۹۹۶-۱۹۴۴)، یحیی شیدا (۱۹۲۴-)، ایراهیم رفر (۱۹۴۷-)، دوکتور حسین فئیض اللهی واحد (۱۹۵۲-)، زهره وفایی ستاری (۱۹۵۳-)، علی داشغین (۱۹۵۸-)، آغشین آغ کمرلی (محمد تقی قاسیم) (۱۹۶۱-)، بهروز ایمانی (۱۹۶۵-)، رضا همراز تبریزی (۱۹۶۹-)، جمال آیریملی، مهندس حمید شافعی، عبدالرحمان طیار (کاتب)، سید حیدر بابات، علی رضا صراف، علی خلخال، حسین دوزگون، میر هدایت حصاری، شکرانه خانیم، مجید صباغ (یالقیز)، محمد ثانی، جمشید شباهی، محمد عبادی قاراخانلی، سدیار وظیفه ائل اوغلو، حسین گونئیلی، عیسی یگانه، مهران تبریزی، مهرداد تبریزی، میر علی رضائی، یوسف قهرمانزاده...

در میان نویسندگانی که در نوشته‌های خود به وقایع سیاسی و اجتماعی قرن بیستم پرداخته‌اند، خیابانی برجسته است. او ده‌ها مقاله را به این مباحث اختصاص داده است. در اینجا چند پاراگراف از مقاله خیابانی با عنوان «آذربایجان» ذکر می‌شود:

«...اۋز گەلر و «اۋزوموزونكولر» اورك لرينده ساخلاديق لارى ياراماز فيكىرلرني حياتا كچيرمك مقصديله بو تورپاغين يارالى سينه سى اوزه رينده دار آغاج لارى قوردولار. ظلم و وجدانسيزليغين قارا كۈلگه سيني بو قانا بويانميش تورپاغين اوزه رينه سالديلار. لاکين بو اۋلکه نين غيرتلي جاوانلارى و قهرمان قوجالارى باشلاريني رشادت سمالاريندا اوجا توتوب، ظلم و عدالت سيزليک دونياسيني اۋز آياق لارى آلتيندا گۆردولر.

...اۋز گنج حياتيني حقيقت و آزادليق يولوندا مردليکله فدا ائدهن آذربايجان اولادلارى ايچرى سينده انله معصوم بالالارا تصادف ائتمک اولوردو کى، دار آغاج لارى بئله اونلارين ضعيف وجودلارى قارشيسيندا تيترييردى. بونلارين حقه دن چيخميش گۆزلىرى، گۆيرميش دوداق لارى و سيخيلميش بوغازلارى جلادلارى قورخودور و رنگلريني قاجيريردى.

محاربه عليهنه اولان قوهلر، داخيلي و خاريجي دشمنلر سويولموش بو وارلى اباتلى اۋز ماجرالارى اوچون ميدان تعيين ائتديلر. تعرض و ظلمون قانلى پنجه سى بو وطنين نازنين ووجودونو پارچالادى، غالب و مغلوب لارين يانديرديغى آتشلر آباد يئرلىرى ياخيپ كوله دؤندردى. دوز چۆرك قانمايان عنصرلرين قانلى خنجري آذربايجانين حۇرمتدن سالينميش قيزلارينين ووجودوندا انله يارالار آچدى كى، اونلارين قانلى دوداق لارى بير داها يومولا بيلمه يه جکدير.

هله ده آذربایجانلی نین قانی آخیدیلماقدادیر. بو گون تهرانین گوزو آذربایجانین پارچالانمیش ووجودونا تیکیلیمیشدیر. دوداقلاردان ائشیدیلن کلمه لرده، قلم لرین یازدیغی سؤزلرده تقدیر سس لری و تحسین نوالاری ائشیدیلیمکده دیر...»^{۷۸}

نویسنده دیگری که در گفتگوها، سخنرانی‌ها و مقالات خود به وقایع سیاسی و اجتماعی آن دوران با تمام جزئیات آنها پرداخت، میرجعفر پیشه‌وری، رهبر حکومت ملی آذربایجان در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۶ در تبریز بود. در اینجا گزیده‌ای از مقاله پیشه‌وری با عنوان «روزنامه‌میزین دیلی»^{۷۹} آمده است:

«روزنامه‌میز، آذربایجان دیلینه آرتیق اهمیت وئره‌جکدیر. دیلیمیز، دوشمن لرین بوش ادعالارینا باخمایارق، چوخ گئنیش و غنی بیر دیلدیر. اونون ریشه‌سی خالقیمیزین قانیندا و اوره‌یینده دیر.

بیز اونو آنا سودو ایله امیب، وطنیمیزین روحنواز هاواسی ایله تنفس ائتمیشیک. اونا توهین ائدن لر، اونو تحمیلی و مصنوعی گؤسترمک ایسته‌یه‌ن لر بیزیم حقیقی دوشمن لریمیزدیر، چوخ خائن و اجنبی عنصرلر بو گؤزل دیلی اورتادان قالدیرماغا چالیشمیشلار. اونون ترققی سینه و یاشاماسینا مانع اولماق مقصدیله مخصوصا ان غدار آزادلیق دوشمنی اولان رضا خان دؤولتی وار قوه‌سینی صرف ائتمیشدیر. بونولا بئله او،

⁷⁸ MENÂFi v.dğr., II/405.

⁷⁹ روزنامه «آذربایجان»، نشریه رسمی فرقه دموکرات آذربایجان، که در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ در تبریز منتشر می‌شد.

سارسیلماز و محکم بیر حالدا خالقین ایچریسینده باقی قالیب اؤز مقامینی ساخلا میش،
بو واسطه ایله مدنی و مترقی بیر دیل اولدوغو اثباتا یئتیشمیشدیر...»^{۸۰}

عباس پناهی ماکولو تمام رمان‌های خود را به مسائل سیاسی و اجتماعی قرن بیستم
اختصاص داده است. در اینجا گزیده‌ای از رمان او، حیدر عمی اوغلو، آمده است:

«حیدرین آتاسی علی اکبر کیشی اورمیه دن، افشار انلیدن ایدی. لاکین گنجلینی
تهراندا کچیریب، تهران اونورسیتینده ده تحصیل آلمیشدی. طبابت ایله مشغول
اولوردو. او، اوشاق لارینین تربیه و تحصیلی هر شئیدن اوستون توتاردی. بیر دفعه
اورمیه حاکمی طرفیندن تحقیر اولوندوغونا گؤره، عائله سینی ده گؤتوروب آرازین بو
طرفینه - روسییا^{۸۱} یا کؤچموش، آلساندراپول^{۸۱} شهرینده یاشایان قارداش لارینین یانینا
گلمیشدی (...)

حیدر، مئته قالاسنین یانیندان کچرکن بیر نچه دفعه الی-قولو باغلی محبوس لارین
هاراسا آپاریلدیغینی گؤرموشدو. دوستاق لارین قالا پنجره لریندن تانیش لاری ایله نجه
دانشدیق لارینی، اون لارین اورک داغلایان یانقلی اوخومالارینی چوخ انشیتیمیش و
هر دفعه ده متأثر اولموشدو. بوتون بون لار گنجین بولور تک صاف قلبینی
کدرلندیرمیش، اونو چوخ دوشوندورموشدو. ایمکانی اولسایدی، اینسان لارا کدر
گتیره ن بو دهشتلی قالانی اؤز بالاجا ال لری ایله داغیداردی...

^{۸۰} میرجعفر پیشه‌وری (جوادزاده)، منتخب آثار، گردآوری: هیئت احمد امین‌زاده، تقی موسوی،
حسین جدی، انتشارات «آذربایجان» روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۴/۱۹۶۵.

^{۸۱} Aléksandrapol: Leninakan, Gümrü.

بیر دفعه ده او، قالاین یانیندان کنچرکن یانقلی بیر سس ائشیتدی: قازامات ایستیدیر یاتا بیلیمیرم، آیاق دا قاندالاق قاچا بیلیمیرم...

اونون اوره یی سیخیلیدی، هچ اینصافدیر کی، بو جور ملاحتلی سسین صاحبی قالایا سالینسین؟! حیدر باشینی یوخاری قالدیرینجا گوزو دمیر بارماقلیق لارین آراسیندان اوخویان اوغلانا ساتاشدی. «یقین نیشانلیسی یادینا دوشوب. گوره، یازیق هله نهچه ایل بورادا قالا جاق؟» بو فیکیرلر ایچریسینده آددیم لارینی یئینلندی.

اما کوبود بیر سس اونو سورعتدن سالدی:

- گئری چکیل، گنج قویون، هارا سوخولورسان؟!

بش دوستاغی آرایا آلیب آپاران سلاحتلی پلیس و ژاندارم نفرلی قاباق لارینا چیخان یولدان قووور، بو کوچهدن او بیرینه کئچمه یه قویموردولار.

- هارا دور تولورسن، سفته، یوخسا باشین قامچی ایستیر؟! ⁸²

زندگی و آثار دکتر تقی ارانی، که دانشمندی سوسیالیست بود و تقریباً تمام عمر خود را در زندان ها گذراند و حتی در زندان درگذشت، به ویژه دفاعیات او در دادگاه ها، وقایع آن زمان را از دیدگاه سوسیالیستی منعکس می کند. ارانی در جایی از دفاعیات خود می گوید:

«عمل علیه آرمان های مقدس بشریت و خلاف موازین اخلاقی انسانی به چنان شکل نفرت انگیزی تبدیل شده است که باورهایی که از صلح و آزادی، جلوگیری از خونریزی، فقر، فسق و فحشا سخن می گویند، با ده سال زندان مجازات می شوند. این

⁸² Penahî MAKÛLU, Háyder Emoğlu, Yazıcı Neşriyyatı, Bakı 1985, s. 6 vd. ¹⁴¹ MENÂFİ v.dğr., II/450-455.

ننگ بزرگی برای جامعه است که به خاطر حمایت از کارگران و حفظ حقوق آنها، به این شدت مجازات شود. چرا اینقدر از کارگر می ترسید؟ چقدر نفرت انگیز است که مأموران پلیس به محض دیدن تکه کاغذی که روی آن کلمه کارگر نوشته شده است، با تمام قوا به یک کارگر حمله کنند. جن از «بسم الله» آنقدر نمی ترسد که اداره پلیس تهران از کارگر می ترسد...» ۱۴۱

قهرمان قهرمان زاده در داستان هایش معمولاً به ظلم و بی عدالتی نسبت به دهقانان و کارگران فقیر آذربایجان ایران، دروغگویی و فریبکاری دولت ایران و رویاهای آزادی و استقلال ترک های ایران می پردازد. در اینجا گزیده ای از داستان رادیو تهران او آمده است:

«بیلیرسینیز می، ایران حکومتی ایشسیز فهله لری، آج، چیلپاق کندلی لری قیشدان خلاص ائتمک اوچون نتیجه تدبیر گورور؟

قرئت لده یازیلار، رادیولاردا بار بار باغیریرلار، دئییرلر:

- عزیز ایشسیز ایرانلی لار، اوزونوزو ظالم قیشدان مدافعه ائدین، اولمه یین! بایراما چیخین، ایستی دوشه ن کیمی آمریکا مهندس لری سیزین اوچون او قدر ایش آچاجاقلار کی، گنجه و گوندوز دینجلمه دن ایشلیه جکسینیز.

نه بیلیم، هله ایش یئرلرینی ده تعیین ائدیب گؤستریرلر کی، کرج ده مثالیردن زاوود ایشه سالاجاقلار، تهرانین اطرافینداکی داغلاری سیچان کیمی دئشیک دئشیک ائدیب معدن چیخاراجاقلار. بیر سؤزله، ایراندا ایش آیاق توتوب یثرییه جکدیر.

رادیو او قدر یاغلی دیل و بویالی تشبیه لرله دانیشیردی کی، ایش هوسی ایله قیشدان چیخماغا تله سیردیم. گون لری ساییردیم. "بایراما اون بش گون قالدی. الله قویسا، یازدا

ایش اولاجاقدیر". اما ائله بیلیردیم کی، دؤولت ده اصل سؤزونو پیچیلتی ایله قولاغیمیزا دئییر: "آرزو، اومیدله یاشا، اونونلا دا گورا گئت".

جانلاری آغیزلاریندان چیخانا قدر "بول چؤرک، بول ایش" دئیه آتابابالاریمیز دا اؤز آرزولارینی، اومیدلرینی اؤزلری ایله برابر قارا تورپاغ آلتینا آپارمیشلار.

هر ایل تهران رادیوسونا آلدانیب ایش تاپماق اوچون شهره گنده ردیم. لاکین ایستی گونلرده تهرانی کوجهلرینده آج آجینا دولاشیب الی بوش، اوزو قارا کنده قاییداردیم. آرواد منی دانلاردی. منسه، اللهین آلتیندا بیر ساعتلیغا کیشی اولایدین، گئدیب گؤره یدین کی، او بی ناموس رادیو بیزلری نجه آلدادیر، دئییب دئینردیم...»^{۸۳}

دکتر جواد هیئت، متخصص در زبان، ادبیات، تاریخ و پزشکی، که از سال ۱۹۷۹ در تهران در مجله "وارلیق" منتشر می کند، با مهارت فراوان به ارزیابی مسائل و راه حل های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ترک های آذربایجان جنوبی پرداخته است. چند پاراگراف از مقدمه کتاب او با عنوان "آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش":

"فورخورام جاوان نسیل بو بؤیوک ایشین، کافی درجده درین معناسینی باشا دوشمه سین. دوشمن لریمیز، اوزون زامانلار بیزیم هوویتی میزی گؤستره ان کیچیک قرینه نی سیلمک، آرادان آپارماق و بو ممکن دئیلسه تعبیر، تفسیر یولو ایله ان ضعیف روایته دایاناراق گون کیمی آیدین دلیل لری هئجه سایماق و اونو تدورماق ایسته دیلر بو ایشته بیلرک و نقشه اوزره خیانت ائدن لر اولدوغو کیمی حاکم محیطین عمومی آتموسفرینه اویاراق دا او یولو گئندن لر چوخ اولدو.

⁸³ KAFKASYALI, VI/518 vd.

بو دوشمن لرین و دوشمن لرین دوست لارینین طبعیدیر کی لاپ باش هدف لری
دیلیمیز ایدی. البته دیلی انکار ائدیلسه لر، ادبیاتیمیز و اونون تاریخی ده اؤز اؤزونه
منتفی اولور.

دئدییمیز کی می باش هدف دیلیمیز ایدی. اونا بیر نجه طرفدن هجوم کئچدیلر. لاپ
باشدا آذربایجانلی منورلرینین فارس دیل و مدنیتینه (کولتورونه) بسله دیک لری
صمیمی و قدیم علاقه دن سواستیفاده ائدیلر. بو علاقه یه دایاناراق اؤز آنا دیلینه
سویوقلوق یاراتماق ایسته دیلر.

آنا دیلین تعلیم و تعلومو مومکون اولمایینجا و دیل آنجاق گونده لیک،

سطحی مونا سبت لره حصر ائدیلمه یه، کلمه لر اونودولور، خزینه سی توکهنیر، دیل
فقیرلشیر. بو فیکر، سونرا منوورین باشینا قاخینج اولور، خبر سیز توتولدوغو اوچون، بو
آلتدان آلتدان خبیثانه تبلیغ یالانینا اینانیر.

حقارت حسی ایله اؤزونو و دیلینی اینکار ائتمه یه باشلار. اوشاغینا ائلیمیزده اسکیدن دب
(مودا) اولان گؤزل آدلار یئرینه، هنج آذربایجان تورکونون آغزیندا دوزگون تلفظ
ائدیلمه یه جک فارس و فرنگی آدلار تاخار، اونولا آنا دیلینده دانیشماز و آخیردا
"ایکی مسجد آراسیندا بی نماز" ... یعنی هوویت سیز شخصیت سیز،

«هماتلوس/سرگردان» اولار. ^{۸۴}

⁸⁴ Cavad HEY'ET, Azərbaycan Edebiyyatı Tarixinə Bir Baxış, Téhran-İran-1376/1998, I/3-4.

۴. نتیجه گیری

تاریخ آذربایجان جنوبی در طول دو قرن گذشته را می‌توان خلاصه‌ای از کل تاریخ آن دانست. زیرا وقایع این دو قرن، تجلی مشکلاتی است که قرن‌ها در این منطقه انباشته شده است. طبیعتاً وقایع سیاسی و اجتماعی که در این دوره رخ داده است، تاریخ و فرهنگ ترک‌های آذربایجان جنوبی، به ویژه ادبیات آنها را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و آثار قابل توجهی از خود به جای گذاشته است. همه این وقایع سیاسی و اجتماعی در آثار منظوم ادبیات آذربایجان جنوبی و در رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، مقالات و سایر آثار منشور که از ابتدای قرن گذشته پدید آمده‌اند، منعکس شده است.

این آثار ادبی که در روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها منتشر می‌شدند، نور قابل توجهی بر تاریخ دو قرن اخیر می‌تابانند. آن‌ها تمام ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌هایی را که رژیم‌های فئودالی و دیکتاتوری در طول دو قرن گذشته بر مردم ایران و آذربایجان جنوبی وارد کرده‌اند، واکنش‌های روشنفکران و مردم در برابر این بی‌عدالتی‌ها، چگونگی استثمار ایران و سایر کشورهای مسلمان توسط قدرت‌های امپریالیستی، نقشه‌های پنهان و آشکار آن‌ها و چگونگی گرفتار شدن مردم مسلمان در دام دولت‌های امپریالیستی را شرح می‌دهند. علاوه بر این، زندگی، افکار، نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات مردم ایران و شرق، اعمال غیرقانونی همدستان خارجی در حکومت ایران و آذربایجان جنوبی و راه‌حل‌های غلبه بر این بی‌عدالتی‌ها، همگی به اشکال مختلف در این آثار منعکس شده‌اند.

نامق کمال که درگیر جنبش‌های مشروطه در منطقه دیگری از جهان ترک بود، تنهایی ملت خود و وابستگی آن به قدرت خودی را با این ابیات بیان کرده است:

"سنه سندن گر کدیر بیر ایشته داد لازیمسا،

او ایشدن اومیدین کس کی غیردن امداد لازیمسا!"

و بدین ترتیب تجربیات ترک‌های آذربایجان جنوبی را توصیف نموده است.

برای اینکه جوامع ترک، به ویژه مردم ترک آذربایجان جنوبی، بتوانند از وقایعی که تجربه کرده‌اند، درس بگیرند، باید متون ادبی معتبر موجود منتشر و به مخاطبان هدف ارائه شود. آثار ادبی موجود در بایگانی‌ها یا مخازن مربوط به این منطقه در آذربایجان شمالی، ترکیه و سایر کشورها و جوامع ترک مربوطه باید در دسترس قرار گیرد. در کنار همه اینها، میراث ادبی و فرهنگی انتزاعی و ملموس که در سنت شفاهی وجود دارد، باید گردآوری و در دسترس افراد مربوطه قرار گیرد.

منابع

AKYOL, Taha, Osmanlı'da ve İran'da Mezhep ve Devlet, Milliyet Yay., İstanbul 1999.

ANDİCAN, Ahad, A., Değişim Sürecinde Türk Dünyası, Emre Yay., İstanbul 1996.

ARAZOĞLU, Muxteser Azərbaycan Tarixi, Bütöv Azərbaycan

Kitabxanası Tarix Seriyası, Bakı. 1999.

ARI, Tayyar, Basra Körfezi ve Ortadoğu'da Güç Dengesi -1978-1996- Alfa Yay.İstanbul 1996.

Azerbaycan Edebiyatı Tarihi, I-III, A.E.A. Neşriyyatı,
Bakı 1960.

Azerbaycan Sovet Ensiklopediyası, Bakı 1987.

BLAGA, Rafael, İran Halkları El Kitabı, by., 1997.

DELİLİ, H., Azerbaycan'ın Cenûb Hanlıqları, Bakı 1979.

DEVLET, Nadir, Çağdaş Türk Dünyası, Marmara
Üniversitesi

Edebiyat Fak. Yay., İstanbul 1989.

EMİROV, Sabir, Cenûbî Azerbaycan Millî-Demokratik
Edebiyyatı (1941-1990), Élm Neşriyyatı, Bakı 2000.

GÜREL, Şükrü S. Orta Doğu Petrolünün Uluslararası
Politikadaki Yeri, Ankara Üniversitesi Siyasal Bilgiler Fakültesi
Yay. No: 432, Ankara, 1979.

GÜRÜN, Kâmuran, Fırtınalı Yıllar, Milliyet Yay., İstanbul
1995.

GÜRÜN, Kâmuran, Fırtınalı Yıllar, Milliyet Yay.,
İstanbul, 1995.

HALİDEY, F. ve dğr. İran Devrimi, Derleyen: Serpil
Üşür, Belge Yay., İstanbul, 1992.

HESENLİ, Cemil, "Güney Azerbaycan: 1945 Yılıının
Sonbaharı", Türk Dünyası Araştırmaları, İstanbul 1999.

HESENLİ, Cemil, Güney Azerbaycan Millî Harekâtı,
Türkler, Yeni Türkiye Yay., Ankara 2002.

HEY'ET, Cavad, Azərbaycan Edebiyyatı Tarixinə Bir Baxış I, Téhranİran-1376/1998.

HEYKEL, Hasaneyn, M., Bir Devrimin Anlatılmamış Öyküsü, Nehir Yay., İstanbul 1988.

HEYKEL, M. Hasaneyn, Bir Devrimin Anlatılmamış Öyküsü, Nehir Yay., İstanbul, 1988.

KAFKASYALI, Ali, İran Türk Edebiyatı Antolojisi, I-VI, Atatürk Üniversitesi Yay., Erzurum 2002.

KALAFAT, Yaşar, Jeokültürel Boyut İran Türklüğü, Yeditepe Yay., İstanbul, 2005.

KARABEKİR, Kâzım, İstiklâl Harbimiz, Yüce Yay., İstanbul 1990.

KARADAĞ, Raif, Petrol Fırtınası, Divan Yay., İstanbul 1991.

KAYABALI, İ., ARSLANOĞLU, C., “İran”, Türk Kültürü Dergisi, Türk Kültürü Araştırma, Sayı: 126.

KEYKURUN, Naki, Azərbaycan İstiklâl Mücadelesinden Hatıralar (1905-1920), İlke Yay., Ankara, 1998.

KÖÇERLİ, Ferudun, Azərbaycan Edebiyatı, I-II, Elm Neşriyyatı, Bakı 1978.

KÖPRÜLÜ, M. F. Türk Edebiyat Tarihi, Ötüken Yay. İstanbul 1988.

LEWIS, Bernard, Ortadoğu, trc.: M. Harmancı, Sabah

Kitapları, İstanbul 1996.

MARGARET, Bainbridge, Dünyada Türkler, trc.: M. Harmancı, Say Yay., İstanbul 1990.

MEHMETZADE, Mirza Bala, Millî Azerbaycan Hareketi, Azerbaycan Kültür Derneği Yay., Ankara, 1991.

MENÂFÎ, M., Z. EKBEROV, R. QASIMOVA, Cenûbî Azerbaycan

Edebiyyatı Antologiyası, I-IV, Élm Neşriyatı, Bakı 1981.

MUTAHHARÎ, Ayetullah, İslâm Devrimi, Pınar Yay. İstanbul 1981.

MUTAHHARÎ, Ayetullah, İslâm Devrimi, Pınar Yay., İstanbul, 1981.

ODER, Kerim, Azerbaycan, Boğaziçi Yay., İstanbul, 1982.

ÖREN, M. M., İran Türkleri Hürriyet Hareketleri, haz. Selçuk Akın, Mars Matbaası, Ankara 1980.

ÖZEY, Ramazan, Dünya Denkleminde Ortadoğu, Eğitim Yay.,

İstanbul 1997.

ÖZTUNA, Yılmaz, Büyük Türkiye Tarihi, Ötüken Yay., İstanbul 1978.

PARLAR, Suat, Ortadoğu,-Vadedilmiş Topraklar-Bibliyotek

Yayınları, İstanbul 1997.

RESULZÂDE, M. E., Azerbaycan Cumhuriyeti, Bakı 1990.

SABİR, E., Cenûbî Azerbaycan Yazıcılarının Edebî Mecmuası, Azerbaycan Rûznâmesi'nin Neşriyesi, byy., 1960.

SANDER, Oral, Siyasi Tarih -1918-1990-, İmge Yay., 3. Baskı, Ankara, 1993.

SHAFFER, Brenda, İran'da Azeri Türkleri, trc.: M.F. Çakır, Türkler,XX, Yeni Türkiye Yay., Ankara 2002.

SHWADRAN, Benjamin, The Middle East Oil and the Great Powers, Halsted Press, New York, 2nd Printing, 1974.

SİDDİKÎ, Kelim ve dğr., İran İslâm Devrimi, Objektif Yay., İstanbul, 1991.

SİDDİKÎ, Kelim, İslâm Devriminin Aşamaları, trc.: S. Alalgöz, Ekin Yay., İstanbul 1997.

SİDDİKÎ, Kelim, İslâm Devriminin Aşamaları, trc.: Selami Alagöz, Ekin Yay., İstanbul, 1997.

STOCKING, George W. Middle East Oil, A Study in Political and Economic Controversy, Vanderbilt University Press, Kingsport Tenn., 1970.

SYKES, P. M., A History of Persia, Macmillan and Co., London, 1915.

TÜLÜMEN, Turgut, İran Devrimi Hatıraları, Boğaziçi Yay., İstanbul, 1998.

TÜLÜMEN, Turgut, İran Devrimi Hatıraları, Boğaziçi, İstanbul 1998.

Türkiye Dışındaki Türk Edebiyatları Antolojisi, V, Kültür Bakanlığı Yay., Ankara 1997.

TÜRKLER, Yeni Türkiye Yay., Ankara 2002.

UZUN, Enver, Güney Azerbaycan Basın Tarihi (1816-2002) Türk Ocağı Trabzon Şub. Yay., Trabzon, 2002.

ÜÇÖK, Coşkun, Siyasal Tarih (1789-1960), Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Yay., 3. Baskı, Ankara, 1980.

ÜŞÜR, Serpil, İran Devrimi, Belde Yay., İstanbul 1992.

Varlık, 105-2, 106-3, Tahran- İran.

WILLIAMS, E. Crawshay, Across Persia, Edvard Arnold Pub., London, 1907.

YAZAR, Yusuf, Ortadoğu -Değişen Dengeler-, Seha Neşriyat, İstanbul 1989.

ZEHTABÎ, M. T., İran Türklerinin Eski Tarihi 1, Tebriz 1378.

ZENGİN, İsmail, İran Devrimi ve Ortadoğu'ya Etkileri, Milliyet Yay., İstanbul, 1991.

